

# 🔑 لاویان

کتاب لاویان سومین کتاب عهد عتیق است. برخی این کتاب را «کتاب راهنمای کاهنان» نیز می‌نامند، زیرا مراسم مذهبی که توسط کاهنان اجرا می‌شد در این کتاب آمده است. کلمه «لاویان» از نام قبیله لاوی گرفته شده است. همه کاهنان اسرائیل از این قبیله بودند. کتاب لاویان را موسی به هنگام سفر بیابانی بنی اسرائیل نوشته است.

هفت فصل اول کتاب در خصوص شیوه قربانی برای گناهان کاهنان و مردم دیگر نوشته شده است. بقیه فصول کتاب از قواعد مربوط به خوراک پاک و ناپاک، و نیز مقدس داشتن روز «سبت» و رفتار درست و نادرست سخن می‌گوید. فصل شانزدهم از اهمیت خاصی برخوردار است. در این فصل مراسمی که درباره روز معروف «کفاره» توسط کاهن اعظم اجرا می‌شود، نوشته شده است. در کتاب لاویان خداوند به قوم خود وعده می‌دهد که همراه آنان باشد. «در میان شما راه خواهیم رفت و خدای شما خواهیم بود و شما قوم من خواهید بود.»

کلمه «مقدس» در این کتاب بارها به کار رفته تا نشان دهد خدا چگونه است و چه رفتاری از قوم خود انتظار دارد. خداوند به آنان می‌فرماید که حفظ احکام و مراسم او باید جزئی از زندگی قوم او باشد.

## قربانی سوختنی

خداوند از خیمه عبادت با موسی سخن گفت و به او فرمود که دستورات زیر را به قوم اسرائیل بدهد:

وقتی کسی برای خداوند قربانی می‌کند، قربانی او باید گاو، گوسفند و یا بز باشد.<sup>۱</sup> اگر بخواهد برای قربانی سوختنی یک گاو قربانی کند، آن گاو باید نر و بی‌عیب باشد. گاو را دم در ورودی خیمه عبادت بیاورد تا مورد قبول خداوند قرار گیرد.<sup>۲</sup> شخصی که آن را می‌آورد، باید دستش را روی سر حیوان بگذارد. به این ترتیب آن قربانی پذیرفته شده، گناهان شخص را کفاره می‌کند.<sup>۳</sup> بعد خود آن شخص حیوان را در حضور خداوند سر ببرد و پسران هارون که کاهنند، خون آن را بیاورند و بر چهار طرف قربانگاه که جلو در ورودی خیمه عبادت است، بپاشند.<sup>۴</sup> سپس آن شخص پوست گاو را بکند و آن را قطعه‌قطعه کند،<sup>۵</sup> و کاهنان هیزم روی قربانگاه بگذارند، آتش روشن کنند<sup>۶</sup> و قطعه‌ها و سر و پیه آن را روی هیزم قرار

دهند.<sup>۷</sup> آنگاه آن شخص باید دل و روده و پاچه‌های گاو را با آب بشوید و کاهنان همه را روی قربانگاه بسوزانند. این قربانی سوختنی که بر آتش تقدیم می‌شود، مورد پسند خداوند خواهد بود.

<sup>۱۰</sup> اگر گوسفند یا بز برای قربانی بیاورند، آن نیز باید نر و بی‌عیب باشد.<sup>۱۱</sup> شخصی که آن را می‌آورد باید در سمت شمالی قربانگاه در حضور خداوند سرش را ببرد و کاهنان که پسران هارونند، خونس را بر چهار طرف قربانگاه بپاشند.<sup>۱۲</sup> سپس، آن شخص حیوان قربانی شده را قطعه‌قطعه کند و کاهنان این قطعه‌ها را با سر و پیه آن روی هیزم قربانگاه بگذارند.<sup>۱۳</sup> آن شخص باید دل و روده و پاچه‌های گوسفند یا بز را با آب بشوید. سپس کاهنان همه آنها را روی آتش قربانگاه بسوزانند. این قربانی سوختنی که بر آتش تقدیم می‌شود، مورد پسند خداوند خواهد بود.<sup>۱۴</sup> اگر کسی می‌خواهد برای قربانی سوختنی پرنده قربانی کند، آن پرنده باید قمری یا جوجه کبوتر باشد.<sup>۱۵ و ۱۶ و ۱۷</sup> کاهن، پرنده را بگیرد و جلو قربانگاه ببرد،

هدیه‌ای گرفته شده که به خداوند تقدیم شده است.  
 ۱۱ برای تهیه هدیه آردی که به خداوند تقدیم می‌شود از خمیرمایه استفاده نکنید، زیرا بکار بردن خمیر مایه یا عسل در هدایایی که بر آتش به خداوند تقدیم می‌شود، جایز نیست. ۱۲ هنگام تقدیم نوبر محصول خود به خداوند می‌توانید از نان خمیرمایه‌دار و عسل استفاده کنید، ولی این هدیه را نباید بر آتش قربانگاه بسوزانید.

۱۳ به تمام هدایا باید نمک بزنید، چون نمک یادآور عهد خداست.

۱۴ هرگاه از نوبر محصول خود به خداوند هدیه می‌دهید دانه‌ها را از خوشه‌ها جدا کرده، بکوبید و برشته کنید. ۱۵ سپس روغن زیتون بر آن بریزید و کندر روی آن بگذارید، زیرا این نوعی هدیه آردی است. ۱۶ آنگاه کاهنان قسمتی از غله کوبیده شده و مخلوط با روغن را با تمام کندر بعنوان نمونه بر آتش بسوزانند و به خداوند تقدیم کنند.

### قربانی سلامتی

۳ هرگاه کسی بخواهد قربانی سلامتی به خداوند تقدیم کند، می‌تواند برای این کار از گاو نر یا ماده استفاده نماید. حیوانی که به خداوند تقدیم می‌شود باید سالم و بی‌عیب باشد. ۴ شخصی که حیوان را تقدیم می‌کند، باید دست خود را روی سر آن بگذارد و دم در خیمه عبادت سرش را ببرد. پسران هارون خون آن را بر چهار طرف قربانگاه بپاشند، ۵ و پیه داخل شکم، قلوها و چربی روی آنها، و سفیدی روی جگر را همراه قربانی سوختنی بر آتش قربانگاه برای خداوند بسوزانند. این هدیه که بر آتش تقدیم می‌شود، موردپسند خداوند خواهد بود.

۶ برای قربانی سلامتی می‌توان از گوسفند و بز (نر یا ماده) که سالم و بی‌عیب باشد نیز استفاده کرد. ۷ اگر قربانی، گوسفند باشد، شخصی که آن را به خداوند تقدیم می‌کند باید دستش را روی سر حیوان بگذارد و دم در خیمه عبادت سرش را ببرد. کاهنان

سرش را بکند بطوری که خورش بر پهلوی قربانگاه بریزد. چینه‌دان و محتویات داخل شکمش\* را درآورد و آنها را در طرف شرق قربانگاه درجایی که خاکستر قربانگاه ریخته می‌شود بیندازد. سپس بالهای پرنده را گرفته، آن را از وسط پاره کند بدون اینکه پرنده دو تکه شود. آنگاه کاهن آن را روی هیزم قربانگاه بسوزاند. این قربانی سوختنی که بر آتش تقدیم می‌شود، موردپسند خداوند خواهد بود.

### هدیه آردی

۲ هرگاه کسی برای خداوند هدیه آردی آورد، هدیه او باید از آرد مرغوب باشد. او باید روغن زیتون روی آن بریزد و کندر بر آن بگذارد. ۲ سپس یک مشت از آن را که نمونه تمام هدیه است به یکی از کاهنان بدهد تا آن را بسوزاند. این هدیه که بر آتش تقدیم می‌شود، موردپسند خداوند خواهد بود. ۳ بقیه آرد به هارون و پسرانش داده شود تا برای خوراک از آن استفاده کنند. قسمتی که به کاهنان داده می‌شود بسیار مقدس است، زیرا از هدیه‌ای گرفته شده که به خداوند تقدیم شده است.

۴ هرگاه کسی نان پخته شده در تنور برای خداوند هدیه آورد، آن نان باید بدون خمیرمایه و از آرد مرغوب مخلوط با روغن زیتون تهیه شده باشد. از نان بدون خمیر مایه که روغن روی آن مالیده شده باشد نیز می‌توان بعنوان هدیه استفاده کرد. ۵ اگر کسی نان پخته شده روی ساج هدیه آورد، آن نان نیز باید از آرد مرغوب بدون خمیرمایه و مخلوط با روغن زیتون باشد. ۶ او باید آن را تکه‌تکه کند و رویش روغن بریزد. این نیز یک نوع هدیه آردی است. ۷ اگر هدیه شما در تابه پخته شود، آن هم باید از آرد مرغوب و روغن زیتون باشد.

۸ این هدایای آردی را نزد کاهن بیاورید تا به قربانگاه ببرد و به خداوند تقدیم کند. ۹ کاهنان باید فقط مقدار کمی از هدیه را بعنوان نمونه بسوزانند. این هدیه که بر آتش تقدیم می‌شود، مورد پسند خداوند است. ۱۰ بقیه هدیه به کاهنان تعلق دارد. این قسمت که به کاهنان داده می‌شود بسیار مقدس است، زیرا از

\* ۱۶:۱ «محتویات داخل شکمش» یا «پرهایش».

را می سوزاند. <sup>۱۱و۱۲</sup> اما باقیمانده گوساله، یعنی پوست، گوشت، کله، پاچه، دل و روده و سرگین را به مکان طاهری ببرد که در خارج از اردوگاه برای ریختن خاکستر قربانگاه مقرر شده است و در آنجا آنها را روی هیزم بسوزاند.

<sup>۱۳</sup> اگر تمام قوم اسرائیل سهواً مرتکب گناهی شوند و یکی از قوانین خداوند را زیر پا بگذارند، هر چند این کار را ندانسته انجام داده باشند، مقصر محسوب می شوند. <sup>۱۴</sup> وقتی آنها به گناه خود پی بردند، باید گوساله ای برای کفاره گناه خود قربانی کنند. گوساله را به خیمه عبادت بیاورند <sup>۱۵</sup> و در آنجا بزرگان قوم در حضور خداوند دستهای خود را روی سر حیوان بگذارند و آن را ذبح کنند. <sup>۱۶</sup> آنگاه کاهن اعظم مقداری از خون گوساله را به داخل خیمه عبادت بیاورد <sup>۱۷</sup> و انگشت خود را در خون فرو برد و در حضور خداوند آن را هفت بار جلو پرده قدس الاقداس بپاشد. <sup>۱۸</sup> بعد در حضور خداوند قدری از خون را بر شاخهای قربانگاه بخور که در خیمه عبادت است، بمالد و باقی مانده خون را به پای قربانگاه قربانی سوختنی که نزدیک در خیمه است، بریزد. <sup>۱۹</sup> تمام پیه باید روی قربانگاه سوزانده شود. <sup>۲۰</sup> کاهن اعظم باید از همان روش قربانی گناه پیروی کند. به این طریق برای قوم خدا کفاره خواهد کرد و خطای آنان بخشیده خواهد شد. <sup>۲۱</sup> او گوساله قربانی شده را از اردوگاه بیرون ببرد و بسوزاند، همانطور که گوساله قربانی گناه خود را می سوزاند. این قربانی گناه تمام قوم اسرائیل است.

<sup>۲۲</sup> اگر یکی از رهبران سهواً مرتکب گناهی شود و یکی از قوانین خداوند، خدای خود را زیر پا گذارد، مقصر محسوب می شود. <sup>۲۳</sup> وقتی او به گناهش پی برد، باید یک بز نر سالم و بی عیب تقدیم کند. <sup>۲۴</sup> دست خود را روی سر بز بگذارد و در جایی که قربانی های سوختنی را سر می برند آن را ذبح کند و به خداوند تقدیم نماید. این، قربانی گناه اوست. <sup>۲۵</sup> بعد کاهن قدری از خون قربانی گناه را بگیرد و با انگشت خود روی شاخهای قربانگاه قربانی سوختنی بمالد و بقیه خون را به پای قربانگاه بریزد. <sup>۲۶</sup> تمام پیه باید مثل پیه

خون آن را بر چهار طرف قربانگاه بپاشند <sup>۹و۱۰و۱۱</sup> و پیه، دنبه، پیه داخل شکم، قلوها و چربی روی آنها، و سفیدی روی جگر را همچون خوراک به خداوند تقدیم کرده، بر آتش قربانگاه بسوزانند.

<sup>۱۲و۱۳</sup> اگر قربانی، بز باشد، شخصی که آن را به خداوند تقدیم می کند باید دستش را روی سر حیوان بگذارد و دم در خیمه عبادت سرش را ببرد. کاهنان خون آن را بر چهار طرف قربانگاه بپاشند <sup>۱۴و۱۵و۱۶</sup> و پیه داخل شکم، قلوها و چربی روی آنها، و سفیدی روی جگر را همچون خوراک به خداوند تقدیم کرده، بر آتش قربانگاه بسوزانند. این هدیه که بر آتش تقدیم می شود، مورد پسند خداوند خواهد بود. تمام پیه آن حیوان به خداوند تعلق دارد. <sup>۱۷</sup> هیچ یک از شما نباید خون یا پیه بخورید. این قانونی است ابدی برای شما و نسل هایتان، در هر جا که باشید.

### قربانی گناه

**۴** خداوند به موسی فرمود تا <sup>۲</sup> به قوم اسرائیل بگوید که هر که سهواً مرتکب گناهی شود و یکی از قوانین خداوند را زیر پا گذارد، باید طبق این مقررات عمل کند:

<sup>۳</sup> اگر خطا از کاهن اعظم سر زده باشد و بدین ترتیب قوم را نیز گناهکار ساخته باشد، برای گناه خود باید گوساله های سالم و بی عیب به خداوند تقدیم کند. <sup>۴</sup> گوساله را دم در خیمه عبادت بیاورد، دستش را روی سر آن بگذارد و همانجا در حضور خداوند سرش را ببرد. <sup>۵</sup> کاهن اعظم مقداری از خون گوساله را به داخل خیمه عبادت ببرد، <sup>۶</sup> انگشت خود را در خون فرو برد و در حضور خداوند آن را هفت بار جلو پرده قدس الاقداس بپاشد. <sup>۷</sup> سپس در حضور خداوند قدری از خون را روی شاخهای قربانگاه بخور که داخل خیمه است، بمالد. باقیمانده خون را به پای قربانگاه قربانی سوختنی که نزدیک در خیمه عبادت است، بریزد. <sup>۸</sup> آنگاه تمام پیه داخل شکم، <sup>۹</sup> قلوها و چربی روی آنها، و سفیدی روی جگر را بردارد، <sup>۱۰</sup> و آنها را روی قربانگاه قربانی سوختنی بسوزاند، درست همانطور که پیه گاو قربانی سلامتی

قربانی سلامتی، روی قربانگاه سوزانده شود. به این ترتیب کاهن برای گناه رهبر کفاره خواهد کرد و او بخشیده خواهد شد.

<sup>۲۷</sup> اگر یک فرد عادی سهواً مرتکب گناهی شود و یکی از قوانین خداوند را زیر پا گذارد، مقصر محسوب می‌شود. <sup>۲۸</sup> وقتی او به گناه خود پی‌برد، باید یک بز ماده سالم و بی‌عیب بیاورد تا آن را برای گنااهش قربانی کند. <sup>۲۹</sup> بز را به مکانی بیاورد که قربانی‌های سوختنی را سر می‌برند. در آنجا دست خود را روی سر حیوان بگذارد و آن را ذبح کند. <sup>۳۰</sup> کاهن با انگشت خود قدری از خون را روی شاخهای قربانگاه قربانی سوختنی بمالد و بقیه خون را به پای قربانگاه بریزد. <sup>۳۱</sup> تمام پیه باید مثل پیه قربانی سلامتی، روی قربانگاه سوزانده شود و این مورد پسند خداوند خواهد بود. به این ترتیب کاهن گناه آن شخص را کفاره خواهد کرد و او بخشیده خواهد شد. <sup>۳۲</sup> اگر آن شخص بخواد برای کفاره گنااهش بره قربانی کند، باید آن بره، ماده و بی‌عیب باشد. <sup>۳۳</sup> او باید دست خود را روی سر بره بگذارد و آن را در مکانی که قربانی‌های سوختنی را سر می‌برند، بعنوان قربانی گناه ذبح کند. <sup>۳۴</sup> کاهن با انگشت خود قدری از خون را بر شاخهای قربانگاه قربانی سوختنی بمالد و بقیه خون را به پای قربانگاه بریزد. <sup>۳۵</sup> پیه آن مثل پیه بره قربانی سلامتی روی قربانگاه سوزانده شود. کاهن آن را مانند قربانی‌هایی که بر آتش به خداوند تقدیم می‌شود، بسوزاند. به این ترتیب کاهن گناه آن شخص را کفاره خواهد کرد و او بخشیده خواهد شد.

### موارد قربانی گناه

**۵** هرگاه کسی از وقوع جرمی اطلاع داشته باشد ولی در مورد آنچه که دیده یا شنیده در دادگاه شهادت ندهد، مجرم است.

<sup>۲</sup> هرگاه کسی لاشه حیوان حرام گوشتی را لمس کند، حتی اگر ندانسته این کار را کرده باشد، نجس و مجرم است.

<sup>۳</sup> هرگاه کسی نجاست انسان را لمس کند، حتی اگر ندانسته این کار را کرده باشد، وقتی متوجه شد چه

کرده است، مجرم می‌باشد.

<sup>۴</sup> اگر کسی نسنجیده قولی دهد و قسم بخورد که آن را بجا آورد ولی بعد پی‌برد که قول بی‌جایی داده است، مجرم می‌باشد.

<sup>۵</sup> در هر یک از این موارد، شخص باید به گنااهش اعتراف کند <sup>۶</sup> و برای قربانی گناه خود یک بره یا بز ماده نزد خداوند بیاورد تا کاهن برایش کفاره کند.

<sup>۷</sup> اگر شخص مجرم تنگدست باشد و نتواند بره‌ای بیاورد، می‌تواند دو قمری یا دو جوجه کبوتر برای کفاره گناه خود به خداوند تقدیم کند، یکی برای قربانی گناه و دیگری برای قربانی سوختنی. <sup>۸</sup> کاهن پرنده‌ای را که برای قربانی گناه آورده شده، بگیرد و سرش را ببرد، ولی طوری که از تنش جدا نشود. <sup>۹</sup> سپس قدری از خون آن را بر پهلوی قربانگاه بپاشد و بقیه را به پای قربانگاه بریزد. این، قربانی گناه است. <sup>۱۰</sup> پرنده دوم را بعنوان قربانی سوختنی طبق دستورالعملی که قبلاً داده شده است قربانی کند. به این ترتیب کاهن برای گناه او کفاره خواهد کرد و گناه او بخشیده خواهد شد.

<sup>۱۱</sup> اگر او فقیرتر از آنست که بتواند دو قمری یا دو جوجه کبوتر برای کفاره گناه خود قربانی کند، می‌تواند یک کیلو آرد مرغوب بیاورد. ولی نباید آن را با روغن زیتون مخلوط کند یا کندر بر آن بگذارد، زیرا این، قربانی گناه است. <sup>۱۲</sup> آرد را پیش کاهن بیاورد تا کاهن مشتی از آن را بعنوان نمونه بردارد و روی قربانگاه بسوزاند، درست مثل قربانی‌هایی که بر آتش به خداوند تقدیم می‌شود. این، قربانی گناه اوست. <sup>۱۳</sup> به این ترتیب کاهن برای گناه او در هر یک از این موارد، کفاره خواهد کرد و او بخشیده خواهد شد. در این قربانی نیز مثل هدیه آردی، بقیه آرد به کاهن تعلق می‌گیرد.

### قربانی جبران

<sup>۱۴</sup> خداوند این دستورات را به موسی داد: <sup>۱۵</sup> هرگاه کسی در دادن هدیه‌ای که در نظر خداوند مقدس است سهواً قصور ورزد، باید یک قوچ سالم و بی‌عیب برای قربانی جبران به خداوند تقدیم نماید.

اردوگاه ببرد و در مکان طاهری که برای این کار مقرر شده است، بریزد. <sup>۱۳ و ۱۲</sup> کاهن هر روز صبح هیزم تازه بر آن بنهد و قربانی سوختنی روزانه را روی آن بگذارد و پیه قربانی سلامتی را بر آن بسوزاند. آتش قربانگاه باید همیشه روشن بماند و خاموش نشود.

### مقررات هدیه آردی

<sup>۱۴</sup> مقررات مربوط به هدیه آردی از این قرار است: کاهن برای تقدیم هدیه آردی به خداوند جلو قربانگاه بایستد، <sup>۱۵</sup> سپس مشتی از آرد مرغوب آغشته به روغن زیتون را با کندری که بر آن است بردارد و بعنوان نمونه برای خداوند روی قربانگاه بسوزاند. این هدیه مورد پسند خداوند خواهد بود. <sup>۱۶ و ۱۷</sup> بقیه آرد، متعلق به کاهنان می باشد تا از آن برای خوراک خود استفاده کنند. این آرد باید بدون خمیرمایه پخته شود و در حیاط عبادتگاه که مکان مقدسی است خورده شود. این قسمت از هدیه آردی را که بر آتش به خداوند تقدیم می شود، خداوند به کاهنان داده است. مانند قربانی گناه و قربانی جبران، این قسمت از هدیه آردی نیز بسیار مقدس می باشد. <sup>۱۸</sup> پسران هارون نسل اندر نسل می توانند این قسمت از هدیه را بخورند. این هدیه که بر آتش به خداوند تقدیم می شود، همیشه سهم کاهنان خواهد بود و کس دیگری حق ندارد به آن دست بزنند.

<sup>۱۹ و ۲۰</sup> خداوند همچنین این دستورات را به موسی داد: هارون و هر کدام از پسرانش در روزی که برای مقام کاهنی انتصاب می شوند باید یک کیلو آرد مرغوب، به اندازه هدیه آردی روزانه به حضور خداوند بیاورند و نصف آن را در صبح و نصف دیگر را در عصر به خداوند تقدیم کنند. <sup>۲۱</sup> این هدیه باید روی ساج با روغن زیتون پخته شود سپس تکه تکه شده، بعنوان هدیه آردی به خداوند تقدیم گردد. این هدیه مورد پسند خداوند خواهد بود. <sup>۲۲ و ۲۳</sup> هر کاهنی که بجای پدر خود، کاهن اعظم می شود باید در روز انتصاب خود همین هدیه را تقدیم کند. این فریضه ای ابدی است. این هدیه باید تماماً در حضور خداوند سوزانده شود و چیزی از آن خورده نشود.

قوچی که برای قربانی جبران اهدا می شود باید مطابق معیار رسمی، ارزیابی شود. <sup>۱۶</sup> او باید علاوه بر باز پرداخت هدیه، یک پنجم ارزش آن را نیز به آن افزوده، همه را به کاهن بدهد. کاهن با آن قوچ قربانی جبران، برایش کفاره خواهد کرد و او بخشیده خواهد شد.

<sup>۱۷ و ۱۸</sup> اگر کسی مرتکب گناهی شده، یکی از قوانین خداوند را زیر پا بگذارد، ولی نداند که چنین کاری از او سرزده است، باز مجرم است و برای قربانی جبران باید یک قوچ سالم و بی عیب نزد کاهن بیاورد. قیمت قوچ باید مطابق قیمت تعیین شده باشد. کاهن با این قربانی برای او کفاره کند تا گناهش بخشیده شود. <sup>۱۹</sup> این قربانی جبران است برای جرمی که او نسبت به خداوند مرتکب شده است.

**۶** خداوند این دستورات را به موسی داد: هرگاه کسی نسبت به من گناه کرده، از پس دادن چیزی که پیش او گرو گذاشته شده خودداری نماید یا در امانت خیانت ورزد، یا دزدی کند یا مال همسایه اش را غصب نماید، و یا اینکه درباره چیز گمشده ای که پیدا کرده است دروغ بگوید و قسم بخورد که پیش او نیست، <sup>۴ و ۵</sup> روزی که جرم او ثابت شود باید اصل مال را پس دهد و یک پنجم ارزش آن را نیز به آن افزوده، به صاحب مال بپردازد. <sup>۶</sup> او باید قربانی جبران را که یک قوچ سالم و بی عیب است نزد کاهن به خیمه عبادت بیاورد و به خداوند تقدیم کند. قوچ باید مطابق معیار رسمی، ارزیابی شود. <sup>۷</sup> کاهن با این قربانی برای او در حضور خداوند کفاره خواهد کرد و گناه او بخشیده خواهد شد.

### مقررات قربانی سوختنی

<sup>۹ و ۸</sup> آنگاه خداوند به موسی فرمود که در مورد قربانی سوختنی این مقررات را به هارون و پسرانش بدهد: قربانی سوختنی باید تمام شب بر قربانگاه باشد و آتش قربانگاه خاموش نشود. <sup>۱۰</sup> صبح روز بعد، کاهن لباس زیر و لباس کتانی خود را بپوشد و خاکستر قربانی سوختنی را برداشته، کنار قربانگاه بگذارد. <sup>۱۱</sup> سپس لباسش را عوض کند و خاکستر را بیرون

## مقررات قربانی گناه

۲۴ و ۲۵ خداوند به موسی فرمود که در مورد قربانی گناه این مقررات را به هارون و پسرانش بدهد: این قربانی بسیار مقدس است و باید در حضور خداوند در جایی ذبح شود که قربانی‌های سوختنی را سر می‌برند. ۲۶ کاهنی که قربانی را تقدیم می‌کند، گوشت آن را در حیاط عبادتگاه که جای مقدسی است، بخورد. ۲۷ فقط کسانی که تقدیس شده‌اند، یعنی کاهنان، اجازه دارند به این گوشت دست بزنند. اگر خون آن قربانی به لباس ایشان پاشد باید لباس خود را در مکانی مقدس بشویند. ۲۸ ظرف سفالینی که گوشت در آن پخته می‌شود باید شکسته شود. اگر گوشت در یک ظرف مسی پخته شده باشد باید آن ظرف را کاملاً تمیز کنند و با آب بشویند. ۲۹ اولاد ذکور کاهنان می‌توانند از این گوشت بخورند. این قربانی بسیار مقدس است. ۳۰ اما در مواردی که خون قربانی گناه برای کفاره در قدس به داخل خیمه عبادت برده می‌شود، گوشت قربانی را نباید خورد بلکه باید تماماً سوزاند.

## مقررات قربانی جبران

مقررات قربانی جبران که قربانی بسیار مقدسی است، از این قرار می‌باشد: ۲ حیوان قربانی باید در مکانی که قربانی سوختنی را سر می‌برند، ذبح شود و خونس بر چهار طرف قربانگاه پاشیده شود. ۳ کاهن تمام پیه آن را که شامل دنبه و پیه داخل شکم، ۴ و نیز قلوها و چربی روی آنها، و سفیدی روی جگر می‌شود روی قربانگاه بگذارد. ۵ سپس، او همه آنها را بعنوان قربانی جبران بر آتش قربانگاه برای خداوند بسوزاند. ۶ پسران کاهنان می‌توانند از این گوشت بخورند. این گوشت باید در جای مقدسی خورده شود. این قربانی، بسیار مقدس است.

۷ قانونی که باید در مورد قربانی گناه و قربانی جبران رعایت شود این است: گوشت قربانی به کاهنی تعلق دارد که مراسم کفاره را اجرا می‌کند. ۸ (در ضمن پوست قربانی سوختنی نیز به آن کاهن تعلق دارد). ۹ هر هدیه آردی که در تنور یا در تابه یا روی

ساج پخته می‌شود به کاهنی تعلق خواهد گرفت که آن را به خداوند تقدیم می‌کند. ۱۰ تمام هدایای آردی دیگر، خواه مخلوط با روغن زیتون و خواه خشک، بطور مساوی به پسران هارون تعلق دارد.

## مقررات قربانی سلامتی

۱۱ مقررات قربانی سلامتی که به خداوند تقدیم می‌شود از این قرار است: ۱۲ اگر قربانی به منظور شکرگزاری باشد، همراه آن باید این نانهای بدون خمیرمایه نیز تقدیم شود قرصهای نان که با روغن زیتون مخلوط شده باشد، نانهای نازک که روغن مالی شده باشد، نانهای که از مخلوط آرد مرغوب و روغن زیتون تهیه شده باشد. ۱۳ در ضمن همراه قربانی باید قرصهای نان خمیرمایه‌دار نیز تقدیم شود. ۱۴ از هر نوع نان باید یک قسمت بعنوان هدیه مخصوص به خداوند تقدیم شود تا به کاهنی تعلق گیرد که خون حیوان قربانی را روی قربانگاه می‌پاشد. ۱۵ گوشت حیوان قربانی سلامتی باید در روزی که بعنوان هدیه شکرگزاری تقدیم می‌گردد، خورده شود و چیزی از آن برای روز بعد باقی نماند.

۱۶ اگر قربانی، داوطلبانه یا نذری باشد، گوشت قربانی در روزی که آن را تقدیم می‌کنند، خورده شود. اگر از گوشت قربانی چیزی باقی بماند می‌توان آن را روز بعد نیز خورد. ۱۷ و ۱۸ ولی هر چه تا روز سوم باقی بماند، باید سوزاند. اگر در روز سوم چیزی از گوشت قربانی خورده شود، خداوند آن قربانی را قبول نخواهد کرد و به حساب نخواهد آورد زیرا آن گوشت نجس شده است. کسی هم که آن را بخورد مجرم می‌باشد. ۱۹ گوشتی را که به چیزی نجس خورده است نباید خورد، بلکه باید آن را سوزاند.

گوشت قربانی را فقط کسانی می‌توانند بخورند که طاهر هستند. ۲۰ هر که طاهر نباشد و گوشت قربانی سلامتی را بخورد باید از میان قوم خدا طرد شود زیرا این قربانی، مقدس است. ۲۱ هر کس به چیزی نجس دست بزند، خواه نجاست انسان باشد، خواه حیوان نجس و یا هر چیز نجس دیگر، و بعد از گوشت قربانی سلامتی بخورد، باید از میان قوم خدا طرد شود زیرا

## مراسم تقدیس هارون و پسرانش

(خروج ۲۹:۱-۳۷)

▲ خداوند به موسی فرمود: «هارون و پسرانش را با لباس‌های مخصوص ایشان و روغن تدهین، گوسالهٔ قربانی گناه، دو قوچ و یک سبد نان بدون خمیرمایه دم در خیمهٔ عبادت بیاور و تمام قوم اسرائیل را در آنجا جمع کن.»

۴ موسی طبق فرمان خداوند عمل کرد. همهٔ قوم اسرائیل دم در خیمهٔ عبادت جمع شدند. ۵ موسی به ایشان گفت: «آنچه اکنون انجام می‌دهم طبق فرمان خداوند است.»

۶ آنگاه موسی، هارون و پسرانش را فراخواند و ایشان را با آب غسل داد. ۷ پیراهن مخصوص کاهنی را به هارون پوشانید و کمربند را به کمرش بست. سپس ردا را بر تن او کرد و ایفود\* را بوسیلهٔ بند کمر آن بر او بست. ۸ بعد سینه‌بند را بر او بست و اوریم و تُمیم\*\* را در آن گذاشت، ۹ و چنانکه خداوند فرموده بود، عمامه را بر سر هارون نهاد و نیم تاج مقدس را که از طلا بود جلو عمامه نصب کرد.

۱۰ آنگاه موسی روغن مسح را گرفت و آن را بر خیمهٔ عبادت و هر چیزی که در آن بود پاشید و آنها را تقدیس نمود. ۱۱ سپس مقداری از روغن را برداشت و آن را هفت مرتبه بر قربانگاه، لوازم آن، حوض و پایه‌اش پاشید و آنها را نیز تقدیس کرد. ۱۲ بعد قدری از روغن مسح را بر سر هارون ریخت و به این ترتیب او را برای خدمت کاهنی تقدیس نمود. ۱۳ سپس موسی به امر خداوند پسران هارون را فراخواند و پیراهن‌ها را به آنان پوشانید و کمربندها را به کمرشان بست و کلاه‌ها را بر سرشان گذاشت.

۱۴ بعد گوسالهٔ قربانی گناه را جلو آورد و هارون و پسرانش دستهای خود را روی سر آن گذاشتند. ۱۵ موسی گوساله را ذبح کرد و قدری از خون آن را با انگشت بر چهار شاخ قربانگاه مالید تا آن را طاهر

این قربانی، مقدس است.

۲۳ و ۲۲ خداوند به موسی فرمود که این دستورات را به قوم اسرائیل بدهد: هرگز پیه گاو و گوسفند و بز را نخورید. ۲۴ پیه حیوانی که مرده یا توسط جانوری دریده شده باشد هرگز خورده نشود بلکه از آن برای کارهای دیگر استفاده شود. ۲۵ هر کس پیه حیوانی را که بر آتش به خداوند تقدیم می‌شود بخورد باید از میان قوم طرد شود.

۲۶ و ۲۷ هرگز خون نخورید، نه خون پرنده و نه خون حیوان چهارپا. هر کس، در هرجا، خون بخورد، باید از میان قوم خدا طرد شود.

## سهم کاهن از قربانی

۲۸ و ۲۹ و ۳۰ خداوند به موسی فرمود که این دستورات را به قوم اسرائیل بدهد: هر کس بخواهد قربانی سلامتی به خداوند تقدیم کند باید با دست خود آن قربانی را که بر آتش به خداوند تقدیم می‌شود، بیاورد. پیه و سینه را جلو قربانگاه تقدیم کند و سینهٔ قربانی را بعنوان هدیهٔ مخصوص، در حضور خداوند تکان دهد. ۳۱ کاهن پیه را بر قربانگاه بسوزاند، ولی سینهٔ قربانی متعلق به هارون و پسرانش باشد. ۳۲ و ۳۳ ران راست قربانی، بعنوان هدیهٔ مخصوص، به کاهنی داده شود که خون و پیه قربانی را تقدیم می‌کند؛ ۳۴ زیرا خداوند سینه و ران قربانی سلامتی را از قوم اسرائیل گرفته و آنها را بعنوان هدیهٔ مخصوص به کاهنان داده است و همیشه به ایشان تعلق خواهد داشت. ۳۵ (این قسمت از هدایایی که بر آتش به خداوند تقدیم می‌شود در روز انتصاب هارون و پسرانش به خدمت خداوند، به ایشان داده شد. ۳۶ در روزی که ایشان مسح شدند، خداوند دستور داد که قوم اسرائیل این قسمت را به ایشان بدهند. این، قانونی برای تمام نسل‌های ایشان می‌باشد.)

۳۷ و ۳۸ اینها مقرراتی بود در مورد قربانی سوختنی، هدیهٔ آردی، قربانی گناه، قربانی جبران، قربانی تقدیس و قربانی سلامتی که خداوند در بیابان، در کوه سینا به موسی داد تا قوم اسرائیل بدانند چگونه قربانی‌های خود را به خداوند تقدیم کنند.

\* «ایفود» جلیقهٔ مخصوصی بود که کاهن روی لباس‌های خود می‌پوشید.

\*\* اوریم و تمیم دو شیء بودند که جهت پی‌بردن به خواست خدا، بوسیلهٔ کاهن بکار می‌رفتند.

مورد پسند خداوند بود.<sup>۲۹</sup> موسی سینه قربانی را گرفت و آن را بعنوان هدیه مخصوص تکان داده، به خداوند تقدیم کرد، درست همانطور که خداوند به او دستور داده بود. این سهم خود موسی از قوچی بود که برای مراسم تقدیس ذبح می‌شد.

<sup>۳۰</sup> سپس موسی قدری از روغن مسح و قدری از خونی را که بر قربانگاه بود گرفت و بر هارون و لباس‌های او و بر پسران او و لباس‌های ایشان پاشید و به این ترتیب هارون و پسرانش و لباس‌های آنها را تقدیس کرد.

<sup>۳۱</sup> آنوقت موسی به هارون و پسرانش گفت: «همانطور که خداوند فرموده است، گوشت را دم در خیمه عبادت بپزید و در آنجا آن را با نان مراسم تقدیس که در سبد است، بخورید.<sup>۳۲</sup> هر چه از گوشت و نان باقی ماند باید سوزانده شود.<sup>۳۳</sup> هفت روز از در خیمه عبادت بیرون نروید تا روزهای تقدیستان سپری شود، زیرا مراسم تقدیس شما هفت روز طول می‌کشد.<sup>۳۴</sup> آنچه امروز انجام شد به فرمان خداوند بود تا به این ترتیب برای گناه شما کفاره داده شود.<sup>۳۵</sup> شما باید هفت شبانه روز دم در خیمه عبادت بمانید و آنچه را که خداوند فرموده است انجام دهید و گرنه خواهید مرد. این دستور خداوند است.»<sup>۳۶</sup> بنابراین هارون و پسرانش هر چه را که خداوند توسط موسی امر فرموده بود، انجام دادند.

### تقدیم قربانی توسط کاهنان

۹ در روز هشتم، موسی، هارون و پسرانش را با بزرگان قوم اسرائیل جمع کرد<sup>۲</sup> و به هارون گفت: «یک گوساله نر سالم و بی‌عیب برای قربانی گناه و یک قوچ سالم و بی‌عیب برای قربانی سوختنی بگیر و آنها را به حضور خداوند تقدیم کن.<sup>۳</sup> بعد به قوم اسرائیل بگو که یک بزغاله نر برای قربانی گناه خود و یک گوساله و یک بره که هر دو یک ساله و بی‌عیب باشند برای قربانی سوختنی بیاورند.<sup>۴</sup> علاوه بر اینها قوم اسرائیل باید یک گاو و یک قوچ برای قربانی سلامتی، و آرد مخلوط با روغن زیتون برای هدیه آردی به خداوند تقدیم کنند زیرا امروز خداوند

سازد. باقیمانده خون را به پای قربانگاه ریخت. به این ترتیب قربانگاه را تقدیس کرده، برای آن کفاره نمود.<sup>۱۶</sup> سپس تمام پیه داخل شکم، سفیدی روی جگر، قلوها و چربی روی آنها را گرفت و همه را روی قربانگاه سوزانید،<sup>۱۷</sup> و همانطور که خداوند فرموده بود، لاشه و پوست و سرگین گوساله را در خارج از اردوگاه سوزانید.

<sup>۱۸</sup> بعد قوچ قربانی سوختنی را جلو آورد و هارون و پسرانش دستهای خود را روی سر آن گذاشتند.<sup>۱۹</sup> موسی قوچ را ذبح کرد و خونس را بر چهار طرف قربانگاه پاشید.<sup>۲۰</sup> سپس لاشه قوچ را قطعه‌قطعه کرد و آنها را با کله و پیه حیوان سوزانید.<sup>۲۱</sup> دل و روده و پاچه‌ها را با آب شست و آنها را نیز بر قربانگاه سوزانید. پس همانطور که خداوند به موسی دستور داده بود تمام آن قوچ بر قربانگاه سوزانده شد. این قربانی سوختنی که بر آتش تقدیم شد، مورد پسند خداوند بود.

<sup>۲۲</sup> پس از آن موسی قوچ دوم را که برای تقدیس کاهنان بود جلو آورد و هارون و پسرانش دستهای خود را روی سر آن گذاشتند.<sup>۲۳</sup> موسی قوچ را ذبح کرده، قدری از خونس را بر نرمه گوش راست هارون و شست دست راست او و شست پای راستش مالید.<sup>۲۴</sup> بعد قدری از خون را بر نرمه گوش راست و شست دست راست و شست پای راست پسران هارون مالید. بقیه خون را بر چهار طرف قربانگاه پاشید.

<sup>۲۵</sup> پس از آن پیه، دنبه، پیه داخل شکم، سفیدی روی جگر، قلوها و چربی روی آنها و ران راست قوچ را گرفت<sup>۲۶</sup> و از داخل سبد نان بدون خمیرمایه که در حضور خداوند بود، یک قرص نان بدون خمیرمایه، یک قرص نان روغنی و یک نان نازک برداشت و آنها را روی پیه و ران راست گذاشت.<sup>۲۷</sup> سپس، همه اینها را بر دستهای هارون و پسرانش قرار داد تا بعنوان هدیه مخصوص، آنها را جلو قربانگاه تکان دهند و به خداوند تقدیم کنند.<sup>۲۸</sup> پس از انجام این تشریفات، موسی آنها را از هارون و پسرانش گرفت و با قربانی سوختنی بر قربانگاه سوزانید. این قربانی تقدیس که بر آتش تقدیم شد،



شکم و قلوها و سفیدی روی جگر گاو و قوچ می‌شد، گرفت<sup>۲۰</sup> و آنها را روی سینه‌های حیوان گذاشته، نزدیک قربانگاه آورد و تمام پیه را روی قربانگاه سوزانید.<sup>۲۱</sup> همانطور که موسی دستور داده بود، هارون سینه‌ها، و رانهای راست حیوان را بعنوان هدیه مخصوص در حضور خداوند تکان داد.

<sup>۲۲</sup> پس از تقدیم قربانی‌ها، هارون دستهای خود را بطرف قوم اسرائیل دراز کرده، ایشان را برکت داد و از قربانگاه به زیر آمد.<sup>۲۳</sup> موسی و هارون به خیمه عبادت رفتند. وقتی از آنجا بیرون آمدند قوم اسرائیل را برکت دادند. آنگاه حضور پر جلال خداوند بر تمام جماعت ظاهر شد<sup>۲۴</sup> و از حضور خداوند آتش فرود آمده، قربانی سوختنی و پیه روی قربانگاه را بلعید. بنی اسرائیل وقتی این را دیدند، فریاد برآورده، در حضور خداوند به خاک افتادند.

### گناه ناداب و ابیهو

ناداب و ابیهو، پسران هارون، برخلاف امر خداوند، آتش غیر مجاز بر آتشدان خود نهاده، بر آن بخور گذاشتند و به حضور خداوند تقدیم کردند.<sup>۲</sup> ناگاه آتش از حضور خداوند بیرون آمده، آنها را سوزاند و آنها در همانجا، در حضور خداوند مردند.

<sup>۳</sup> آنگاه موسی به هارون گفت: «منظور خداوند همین بود وقتی فرمود: کسانی که مرا خدمت می‌کنند باید حرمت قدوسیت مرا نگاه دارند تا تمام قوم، مرا احترام کنند.» پس هارون خاموش ماند.

<sup>۴</sup> بعد موسی، میشائیل و الصافان (پسران عزریئیل، عموی هارون) را صدا زد و به ایشان گفت: «بروید و اجساد را از داخل خیمه عبادت بردارید و به خارج از اردوگاه ببرید.»

<sup>۵</sup> آنها رفتند و همانطور که موسی گفته بود ایشان را در پیراهنهای کهنانشان از اردوگاه بیرون بردند.

<sup>۶</sup> آنگاه موسی به هارون و پسرانش العازار و ایتامار گفت: «عزاداری ننمایید، موی سرتان را ژولیده نکنید و گریبان لباس خود را چاک نزنید. اگر عزاداری کنید خدا شما را نیز هلاک خواهد کرد و خشم او بر

بر ایشان ظاهر خواهد شد.»

<sup>۵</sup> پس قوم آنچه را که موسی امر فرموده بود، جلو خیمه عبادت آوردند و تمام جماعت نزدیک شده، در حضور خداوند ایستادند.

<sup>۶</sup> موسی به ایشان گفت: «خداوند فرموده دستورات او را انجام دهید تا حضور پر جلال خود را بر شما ظاهر کند.»

<sup>۷</sup> آنگاه موسی به هارون گفت: «نزدیک قربانگاه بیا و همانطور که خداوند فرموده است قربانی گناه و قربانی سوختنی خود را تقدیم کرده، برای خود کفاره کن و سپس قربانی‌های قوم را تقدیم نموده، برای آنها کفاره نما.»

<sup>۸</sup> بنابراین هارون نزدیک قربانگاه رفت و گوساله قربانی گناه خود را ذبح کرد.<sup>۹</sup> پسرانش خون گوساله را پیش وی آوردند و او انگشت خود را در خون فرو برد و بر شاخهای قربانگاه مالید و بقیه خون را به پای قربانگاه ریخت.<sup>۱۰</sup> بعد همانطور که خداوند به موسی دستور داده بود، پیه، قلوها و سفیدی روی جگر قربانی گناه را بر قربانگاه،<sup>۱۱</sup> و گوشت و پوست آن را بیرون از اردوگاه سوزانید.

<sup>۱۲</sup> پس از آن هارون قربانی سوختنی را ذبح کرد و پسرانش خون قربانی را آوردند و هارون آن را بر چهار طرف قربانگاه پاشید.<sup>۱۳</sup> ایشان کله و قطعه‌های دیگر حیوان را نزد هارون آوردند و او آنها را بر قربانگاه سوزانید.<sup>۱۴</sup> دل و روده و پاچه‌ها را شست و اینها را نیز بعنوان قربانی سوختنی بر قربانگاه سوزانید.<sup>۱۵</sup> سپس هارون قربانی قوم اسرائیل را تقدیم کرد. او بز قربانی گناه قوم را ذبح نموده، آن را مانند قربانی گناه خود برای گناه قوم تقدیم کرد.<sup>۱۶</sup> آنگاه مطابق مقررات، قربانی سوختنی ایشان را به خداوند تقدیم نمود.<sup>۱۷</sup> بعد هدیه آردی را آورد و مشتی از آن را گرفت و بر قربانگاه سوزانید. (این قربانی غیر از قربانی سوختنی‌ای بود که هر روز صبح تقدیم می‌شد.)

<sup>۱۸</sup> پس از آن هارون گاو و قوچ را بعنوان قربانی سلامتی قوم ذبح کرد. پسران هارون خون قربانی را نزد او آوردند و او آن را بر چهار طرف قربانگاه پاشید.<sup>۱۹</sup> سپس پیه گاو و قوچ را که شامل پیه داخل

حضور خداوند کفاره نماید. <sup>۱۸</sup> چون خون آن به داخل قدس برده نشد، باید حتماً آن را در محوطهٔ عبادتگاه می‌خوردید، بطوری که به شما دستور داده بودم.»

<sup>۱۹</sup> ولی هارون به موسی گفت: «با وجودی که ایشان قربانی گناه و قربانی سوختنی خود را به حضور خداوند تقدیم کردند این واقعهٔ هولناک برای من پیش آمد. حال اگر از گوشت قربانی گناه می‌خوردیم، آیا خداوند خشنود می‌شد؟» <sup>۲۰</sup> موسی وقتی این را شنید، قانع شد.

## حیوانات حلال گوشت و حرام گوشت

(تثنيه ۱۴: ۳-۲۱)

**۱۱** خداوند به موسی و هارون فرمود که این دستورات را به قوم اسرائیل بدهند: هر حیوانی که شکافته سم باشد و نشخوار کند حلال گوشت است. <sup>۴-۷</sup> ولی گوشت شتر، گورکن و خرگوش را نباید خورد، زیرا این حیوانات هر چند نشخوار می‌کنند اما شکافته سم نیستند؛ همچنین گوشت خوک را نیز نباید خورد، زیرا هر چند شکافته سم است اما نشخوار نمی‌کند. <sup>۸</sup> پس نباید این حیوانات را بخورید و یا حتی دست به لاشهٔ آنها بزنید، زیرا گوشت آنها حرام است.

<sup>۹</sup> از حیواناتی که در آب زندگی می‌کنند چه در رودخانه باشند و چه در دریا آنهایی را می‌توانید بخورید که باله و فلس داشته باشند. <sup>۱۰</sup> تمام جانوران آبی دیگر برای شما حرامند؛ <sup>۱۱</sup> نه گوشت آنها را بخورید و نه به لاشهٔ آنها دست بزنید. <sup>۱۲</sup> باز تکرار می‌کنم، هر جانور آبی که باله و فلس نداشته باشد برای شما حرام است.

<sup>۱۳-۱۹</sup> از میان پرندگان اینها را نباید بخورید: عقاب، جغد، باز، شاهین، لاشخور، کرکس، کلاغ، شترمرغ، مرغ دریایی، لک‌لک، مرغ ماهی‌خوار، مرغ سقا، قره‌قاز، هدهد و خفاش.

<sup>۲۰</sup> حشرات بالدار نباید خورده شوند، <sup>۲۱ و ۲۲</sup> بجز آنهایی که می‌جهند، یعنی ملخ و انواع گوناگون آن. اینها را می‌توان خورد. <sup>۲۳</sup> اما سایر حشرات بالدار برای

تمام قوم اسرائیل افروخته خواهد شد. ولی بنی‌اسرائیل می‌توانند برای ناداب و ابیهو که در اثر آتش هولناک خداوند مردند، عزاداری نمایند. <sup>۷</sup> شما از در خیمهٔ عبادت بیرون نروید مبدا بمیرید، چون روغن مسح خداوند بر شماست.» ایشان طبق دستور موسی عمل کردند.

<sup>۸ و ۹</sup> آنگاه خداوند به هارون گفت: «وقتی به خیمهٔ عبادت می‌روید، هرگز شراب یا مشروبات مست کنندهٔ دیگر ننوشید مبدا بمیرید. این قانونی است. دایمی برای تو و پسرانت و تمام نسل‌های آینده‌ات. <sup>۱۰</sup> شما باید فرق بین مقدس و نامقدس، و نجس و طاهر را تشخیص دهید. <sup>۱۱</sup> باید تمام دستورات مرا که توسط موسی به قوم اسرائیل داده‌ام، به ایشان بیاموزید.»

<sup>۱۲</sup> سپس موسی به هارون و دو پسر بازمانده‌اش، العازار و ایتامار گفت: «باقیماندهٔ هدیهٔ آردی را که بر آتش به خداوند تقدیم شده است بردارید و از آن، نان بدون خمیرمایه پخته، در کنار قربانگاه بخورید زیرا این هدیه، بسیار مقدس است. <sup>۱۳</sup> چنانکه خداوند به من فرموده است باید این را در جای مقدسی بخورید زیرا این سهم شما و پسرانتان از هدیه‌ای است که بر آتش به خداوند تقدیم می‌شود. <sup>۱۴</sup> شما و پسران و دخترانتان می‌توانید سینه و ران هدیهٔ مخصوص را که در حضور خداوند تکان داده می‌شود، در مکان طاهری بخورید. این هدایا که سهم شما از قربانی سلامتی قوم اسرائیل می‌باشد به شما و فرزندانان داده شده است.

<sup>۱۵</sup> «بنی‌اسرائیل باید ران و سینه را هنگام تقدیم پیه بر آتش، بیاورند و بعنوان هدیهٔ مخصوص در حضور خداوند تکان دهند. آن ران و سینه همیشه به شما و فرزندانان تعلق خواهد داشت، همانطور که خداوند فرموده است.»

<sup>۱۶</sup> موسی سراغ بز قربانی گناه را گرفت، ولی پی‌برد که سوزانده شده است. پس بر العازار و ایتامار خشمگین شده، گفت: <sup>۱۷</sup> «چرا قربانی گناه را در مکان مقدس نخوردید؟ این قربانی، بسیار مقدس می‌باشد و خدا آن را به شما داده است تا گناه قوم اسرائیل را در

شما حرامند.

<sup>۲۴</sup> هر کس به لاشه این حیوانات حرام گوشت دست بزند تا غروب شرعاً نجس خواهد بود. <sup>۲۵</sup> هر کس لاشه آنها را بردارد باید لباسش را بشوید؛ او تا غروب شرعاً نجس خواهد بود.

<sup>۲۶</sup> اگر به حیوانی دست بزنید که سمش کاملاً شکافته نباشد و یا نشخوار نکند، شرعاً نجس خواهید بود، زیرا حرام گوشت هستند. <sup>۲۷</sup> هر حیوان چهارپا که روی پنجه راه رود خوردنش حرام است. هر کس به لاشه چنین حیوانی دست بزند تا غروب نجس خواهد بود. <sup>۲۸</sup> هر کس لاشه آن را بردارد تا غروب نجس خواهد بود و باید لباس خود را بشوید. این حیوانات برای شما حرام هستند.

<sup>۲۹</sup> و <sup>۳۰</sup> موش کور، موش صحرایی، موش خانگی و انواع مارمولک حرامند و نباید خورده شوند. <sup>۳۱</sup> هر کس به لاشه این جانوران دست بزند تا غروب شرعاً نجس خواهد بود. <sup>۳۲</sup> اگر لاشه آنها روی شی ای که از جنس چوب، پارچه، چرم یا گونی باشد بیفتد آن شی شرعاً نجس خواهد شد؛ باید آن را در آب بگذارید و آن تا غروب نجس خواهد بود ولی بعد از آن، می توان دوباره آن را بکار برد. <sup>۳۳</sup> اگر لاشه یکی از این جانوران در یک ظرف سفالین بیفتد، هر چیزی که در ظرف باشد نجس خواهد بود و باید ظرف را شکست. <sup>۳۴</sup> اگر آب چنین ظرفی روی خوراکی ریخته شود آن خوراک نیز شرعاً نجس خواهد شد و هر آشامیدنی هم که در چنین ظرفی باشد، نجس خواهد بود.

<sup>۳۵</sup> اگر لاشه یکی از این جانوران روی تنور یا اجاقی بیفتد، آن تنور یا اجاق شرعاً نجس خواهد شد و باید آن را شکست. <sup>۳۶</sup> اما اگر لاشه در چشمه یا آب انباری بیفتد، چشمه یا آب انبار نجس نخواهد شد ولی کسی که لاشه را بیرون می آورد نجس خواهد شد. <sup>۳۷</sup> و <sup>۳۸</sup> اگر لاشه روی دانه هایی که قرار است کاشته شود بیفتد آن دانه ها نجس نخواهند شد، ولی اگر روی دانه های خیس کرده بیفتد دانه ها نجس خواهند گردید.

<sup>۳۹</sup> اگر حیوان حلال گوشتی بمیرد، هر کس لاشه

آن را لمس کند تا غروب شرعاً نجس خواهد بود. <sup>۴۰</sup> همچنین اگر کسی گوشت آن را بخورد و یا لاشه آن را جابجا کند باید لباس خود را بشوید و او تا غروب نجس خواهد بود.

<sup>۴۱</sup> و <sup>۴۲</sup> جانورانی که روی زمین می خزند، چه آنهایی که دست و پا ندارند و چه آنهایی که چهار دست و پا و یا پاهای زیاد دارند، حرامند و نباید خورده شوند. <sup>۴۳</sup> با آنها خود را نجس نسازید. <sup>۴۴</sup> من خداوند، خدای شما هستم. خود را تقدیس نمایید و مقدس باشید، چون من مقدس هستم. پس با این جانورانی که روی زمین می خزند خود را نجس نکنید. <sup>۴۵</sup> من همان خداوندی هستم که شما را از سرزمین مصر بیرون آوردم تا خدای شما باشم. بنابراین باید مقدس باشید، زیرا من مقدس هستم. <sup>۴۶</sup> این قوانین را باید در مورد حیوانات، پرندگان، جانوران آبی و خزندگان رعایت کنید. <sup>۴۷</sup> باید در میان حیوانات نجس و طاهر، حرام گوشت و حلال گوشت، تفاوت قائل شوید.

## طهارت بعد از زایمان

۱۲ خداوند به موسی فرمود که این دستورات را به قوم اسرائیل بدهد: هرگاه زنی پسری بزاید، آن زن تا مدت هفت روز شرعاً نجس خواهد بود، همانگونه که به هنگام عادت ماهانه خود نجس است. <sup>۱</sup> روز هشتم، پسرش باید ختنه شود. <sup>۲</sup> آن زن باید مدت سی و سه روز صبر کند تا از خونریزی خود کاملاً طاهر گردد. در این مدت او نباید به چیز مقدسی دست بزند و یا وارد عبادتگاه شود.

<sup>۳</sup> هرگاه زنی دختری بزاید، آن زن تا دو هفته شرعاً نجس خواهد بود همانگونه که به هنگام عادت ماهانه خود نجس است. او باید شصت و شش روز صبر کند تا از خونریزی خود کاملاً طاهر شود.

<sup>۴</sup> وقتی مدت طهارت تمام شد، نوزاد، خواه پسر باشد خواه دختر، مادرش باید یک بره یک ساله برای قربانی سوختنی و یک جوجه کبوتر یا قمری برای قربانی گناه تقدیم کند.

این هدایا را باید دم در خیمه عبادت نزد کاهن

بیاورد. <sup>۷</sup> کاهن آنها را برای خداوند قربانی نموده، برای مادر کفاره کند. آنوقت او از خونریزی زایمان طاهر خواهد شد. این است آنچه یک زن بعد از زایمان باید انجام دهد.

<sup>۸</sup> ولی اگر آن زن فقیرتر از آن باشد که بتواند یک بره قربانی کند، می تواند دو قمری یا دو جوجه کبوتر بیاورد. یکی برای قربانی سوختنی و دیگری برای قربانی گناه. کاهن باید با تقدیم این قربانی ها برایش کفاره کند تا دوباره طاهر شود.

### قوانین مربوط به جذام

خداوند این قوانین را به موسی و هارون داد:

۱۳

<sup>۱</sup> اگر روی پوست بدن شخصی دمل، جوش یا لکهٔ براقی مشاهده شود، باید وی را نزد هارون یا یکی از کاهنان نسل او بیاورند، چون احتمال دارد آن شخص مبتلا به جذام باشد. <sup>۲</sup> کاهن لکه را معاینه خواهد کرد. اگر موهایی که در لکه است سفید شده باشد و اگر آن لکه از پوست عمیق تر باشد، پس مرض جذام است و کاهن باید او را شرعاً نجس اعلام کند.

<sup>۳</sup> اگر لکهٔ روی پوست سفید باشد اما عمیق تر از پوست نباشد و موهایی که در لکه است سفید نشده باشد، کاهن باید او را تا هفت روز جدا از دیگران نگه دارد. <sup>۴</sup> در روز هفتم، کاهن دوباره او را معاینه کند. اگر آن لکه تغییر نکرده باشد و بزرگ نیز نشده باشد، آنوقت کاهن باید هفت روز دیگر هم او را از مردم جدا نگه دارد. <sup>۵</sup> روز هفتم، کاهن دوباره او را معاینه کند. اگر نشانه های مرض کمتر شده و لکه بزرگ نشده باشد، کاهن او را شرعاً طاهر اعلام کند، چون یک زخم معمولی بوده است. کافی است آن شخص لباس هایش را بشوید تا شرعاً طاهر شود. <sup>۶</sup> ولی اگر پس از آنکه کاهن او را طاهر اعلام کرد، آن لکه بزرگ شود، باید دوباره نزد کاهن بیاید. <sup>۷</sup> کاهن باز به آن نگاه کند، اگر لکه بزرگ شده باشد آنوقت او را نجس اعلام کند، زیرا این جذام است.

<sup>۸</sup> شخصی را که گمان می رود مرض جذام دارد باید نزد کاهن بیاورند <sup>۹</sup> و کاهن او را معاینه کند. اگر

آماس چرکی سفیدی در پوست باشد و موهای روی آن نیز سفید شده باشد، <sup>۱۰</sup> این جذام مزمن است و کاهن باید او را نجس اعلام کند. دیگر نباید او را برای معاینات بیشتر نگه داشت، چون مرض وی قطعی است. <sup>۱۱</sup> ولی اگر کاهن دید که مرض جذام پخش شده و بدنش را از سر تا پا پوشانیده است، آنوقت کاهن باید اعلام کند که او طاهر است چون تمام بدنش سفید شده است. <sup>۱۲</sup> ولی اگر در جایی از بدنش زخم بازی باشد، او را باید شرعاً نجس اعلام کند چون زخم باز نشانهٔ جذام است. <sup>۱۳</sup> اما اگر آن زخم باز سفید شود آن شخص باید نزد کاهن باز گردد. کاهن آن را معاینه کند و اگر زخم سفید شده باشد، آنگاه او را طاهر اعلام کند.

<sup>۱۴</sup> اگر در پوست بدن کسی دملی به وجود بیاید و پس از مدتی خوب بشود، <sup>۱۵</sup> ولی در جای آن، آماسی سفید یا لکه ای سفید مایل به سرخ باقی مانده باشد، آن شخص باید برای معاینه نزد کاهن برود. <sup>۱۶</sup> اگر کاهن دید که لکه عمیق تر از پوست است و موهایی که در آن است سفید شده است، آنوقت باید او را نجس اعلام کند چون مرض جذام از آن دمل بیرون زده است. <sup>۱۷</sup> ولی اگر کاهن ببیند که موهای سفیدی در لکه نیست و لکه نیز عمیق تر از پوست نیست و رنگ آن هم روشن تر شده است، آنوقت کاهن او را هفت روز از مردم جدا نگه دارد. <sup>۱۸</sup> اگر در آن مدت لکه بزرگ شد کاهن باید او را شرعاً نجس اعلام کند، زیرا این جذام است. <sup>۱۹</sup> ولی اگر لکه بزرگ نشد، این لکه فقط جای دمل است و کاهن باید او را طاهر اعلام نماید.

<sup>۲۰</sup> اگر کسی دچار سوختگی شود و در جای سوختگی لکه سفید یا سفید مایل به سرخ بوجود آید، <sup>۲۱</sup> آنوقت کاهن باید لکه را معاینه کند. اگر موهای روی آن لکه سفید شده و جای سوختگی عمیق تر از پوست بدن باشد، این مرض جذام است که در اثر سوختگی بروز کرده و کاهن باید او را نجس اعلام کند. <sup>۲۲</sup> ولی اگر کاهن ببیند که در لکه، موهای سفیدی نیست و لکه عمیق تر از پوست بدن به نظر نمی آید و کمرنگ می شود، کاهن باید هفت روز او

باشد، ممکن است جذام باشد که از آن بیرون زده است.<sup>۴۳ و ۴۴</sup> در آنصورت کاهن باید او را معاینه کند. اگر روی سر او آماس سفید مایل به سرخ باشد، او جذامی است و کاهن باید او را شرعاً نجس اعلام کند.<sup>۴۵</sup> وقتی معلوم شود کسی جذامی است، او باید لباس پاره بپوشد و بگذارد موهایش ژولیده بماند و قسمت پایین صورت خود را پوشانیده، درحین حرکت فریاد بزند: «جذامی! جذامی!»<sup>۴۶</sup> تا زمانی که مرض باقی باشد، او شرعاً نجس است و باید بیرون از اردوگاه، تنها بسر برد.

<sup>۴۷ و ۴۸</sup> اگر گمان رود که مرض جذام\* به لباس یا پارچه پشمی یا کتانی و یا یک تکه چرم یا شی چرمی سرایت کرده،<sup>۴۹</sup> زیرا لکهای مایل به سبز یا قرمز در آن دیده می شود، باید آن را به کاهن نشان داد.<sup>۵۰</sup> کاهن لکه را ببیند و آن پارچه یا شی را مدت هفت روز نگه دارد<sup>۵۱</sup> و روز هفتم دوباره به آن نگاه کند. اگر لکه پخش شده باشد، این مرض، جذام مسری است و آن پارچه یا شی نجس می باشد،<sup>۵۲</sup> و کاهن باید آن را بسوزاند، چون جذام مسری در آن است و باید بوسیله آتش آن را از بین برد.<sup>۵۳</sup> ولی اگر لکه پخش نشده باشد،<sup>۵۴</sup> کاهن باید دستور دهد که شی مظنون شسته شود و هفت روز دیگر آن را نگه دارند.<sup>۵۵</sup> اگر بعد از آن مدت، رنگ لکه تغییر نکرد، هر چند پخش هم نشده باشد، نجس است و باید سوزانده شود، خواه لکه روی آن و خواه زیر آن باشد.<sup>۵۶</sup> اما اگر کاهن ببیند که لکه بعد از شستن کمرنگ تر شده، آنوقت قسمت لکه دار را از پارچه یا شی چرمی جدا کند.<sup>۵۷</sup> ولی اگر لکه دوباره ظاهر شود، جذام است و کاهن باید آن را بسوزاند.<sup>۵۸</sup> اما چنانچه بعد از شستن، دیگر اثری از لکه پیدا نشد، می توان بار دیگر آن شی را شست و بکاربرد.

<sup>۵۹</sup> این است مقررات مربوط به مرض جذام در لباس پشمی یا کتانی یا هر شی ای که از چرم درست شده باشد.

را از مردم جدا نگه داشته،<sup>۲۷</sup> روز هفتم دوباره او را معاینه کند. اگر لکه بزرگ شده باشد، کاهن باید او را نجس اعلام کند، زیرا این جذام است.<sup>۲۸</sup> ولی اگر لکه بزرگ نشده و کمرنگ شده باشد، این فقط جای سوختگی است و کاهن باید اعلام نماید که او شرعاً طاهر است، زیرا این لکه فقط جای سوختگی است.<sup>۲۹ و ۳۰</sup> اگر مردی یا زنی روی سر یا چانه اش لکه ای داشته باشد، کاهن باید او را معاینه کند. اگر به نظر آید که لکه عمیق تر از پوست است و موهای زرد و باریکی در لکه پیدا شود، کاهن باید او را نجس اعلام کند، زیرا این، جذام است.<sup>۳۱</sup> ولی اگر معاینه کاهن نشان داد که لکه عمیق تر از پوست نیست و در ضمن موهای سیاه نیز در آن دیده نمی شود، آنوقت باید او را هفت روز از مردم جدا نگاه داشت<sup>۳۲</sup> و روز هفتم دوباره وی را معاینه کرد. اگر لکه بزرگ نشده باشد و موهای زردی نیز در آن نمایان نشده باشد، و اگر لکه عمیق تر از پوست به نظر نیاید،<sup>۳۳</sup> آنگاه شخص باید موی اطراف زخمش را بتراشد (ولی نه روی خود لکه را) و کاهن هفت روز دیگر او را از مردم جدا نگه دارد.<sup>۳۴</sup> روز هفتم باز معاینه شود و اگر لکه بزرگ نشده باشد و از پوست عمیق تر به نظر نیاید، کاهن او را شرعاً طاهر اعلام نماید. او بعد از شستن لباس هایش طاهر خواهد بود.<sup>۳۵ و ۳۶</sup> ولی اگر بعداً این لکه بزرگ شود، آنوقت کاهن باید دوباره او را معاینه کند و بی آنکه منتظر بماند تا موهای زرد ببیند، او را نجس اعلام کند.<sup>۳۷</sup> ولی اگر معلوم شود که لکه تغییری نکرده و موهای سیاهی نیز در آن دیده می شود، پس او شفا یافته و جذامی نیست و کاهن باید او را شرعاً طاهر اعلام کند.

<sup>۳۸</sup> اگر مرد یا زنی لکه های سفیدی روی پوست بدنش داشته باشد<sup>۳۹</sup> کاهن باید او را معاینه کند. اگر این لکه ها سفید کمرنگ باشند، این یک لکه معمولی است که در پوست بروز کرده است. بنابراین آن شخص طاهر است.

<sup>۴۰ و ۴۱</sup> اگر موی سر مردی در جلو یا عقب سرش ریخته باشد، این نشانه جذام نیست،<sup>۴۲</sup> اما چنانچه در سر طاس او لکه سفید مایل به سرخی وجود داشته

\* کلمه ای که در اینجا جذام ترجمه شده در زبان عبری برای «کپک» یا «زنگ گیاهی» نیز بکار می رود.

## طهارت از جذام

خداوند این دستورات را درباره شخصی که مرض جذام او شفا یافته است، به موسی داد:

۱۴

کاهن باید برای معاینه او از اردوگاه بیرون رود. اگر دید که جذام برطرف شده است<sup>۴</sup> دستور دهد دو پرندۀ زندۀ حلال گوشت، چند تکه چوب سرو، نخ قرمز و چند شاخه زوفا برای مراسم تطهیر شخص شفا یافته بیاورند.<sup>۵</sup> سپس دستور دهد که یکی از پرندگان را در یک ظرف سفالین که آن را روی آب روان گرفته باشند سر ببرند<sup>۶</sup> و چوب سرو، نخ قرمز، شاخۀ زوفا و پرندۀ زندۀ را در خون پرندۀ ای که سرش بریده شده فرو کند.<sup>۷</sup> سپس کاهن خون را هفت مرتبه روی شخصی که از جذام شفا یافته، بپاشد و او را شرعاً طاهر اعلام کند و پرندۀ زندۀ را هم در صحرا رها نماید.

<sup>۸</sup> آنگاه شخصی که شفا یافته لباس خود را بشوید و تمام موی خود را بتراشد و خود را بشوید تا شرعاً طاهر شود. سپس او می تواند به اردوگاه بازگشته، در آنجا زندگی کند؛ ولی باید تا هفت روز بیرون خیمه اش بماند.<sup>۹</sup> در روز هفتم دوباره تمام موی خود را که شامل موی سر، ریش، ابرو و سایر قسمت های بدن او می شود، بتراشد و لباس هایش را بشوید و حمام کند. آنگاه آن شخص شرعاً طاهر خواهد بود.

<sup>۱۰</sup> روز بعد، یعنی روز هشتم، باید دو برۀ نر بی عیب و یک میش یک سالۀ بی عیب با سه کیلو آرد مرغوب مخلوط با روغن زیتون بعنوان هدیه آردی و یک سوم لیتر روغن زیتون نزد کاهن بیاورد.<sup>۱۱</sup> سپس کاهن آن شخص و هدیه وی را دم در خیمۀ عبادت به حضور خداوند بیاورد.<sup>۱۲</sup> کاهن باید یکی از بره های نر را با روغن زیتون گرفته، با تکان دادن آنها در جلو قربانگاه، بعنوان قربانی جبران به خداوند تقدیم کند. (این قربانی جزو هدایای مخصوصی است که به کاهن تعلق می گیرد.)<sup>۱۳</sup> سپس کاهن در خیمۀ عبادت در جایی که قربانی گناه و قربانی سوختنی ذبح می شوند، بره را سر ببرد. این قربانی جبران بسیار مقدس است و باید مثل قربانی گناه برای خوراک به کاهن داده شود.

<sup>۱۴</sup> کاهن، خون قربانی جبران را بگیرد و مقداری از آن را بر نرمۀ گوش راست شخصی که طاهر می شود و روی شست دست راست او و روی شست پای راستش بمالد.

<sup>۱۵</sup> پس از آن، کاهن مقداری از روغن زیتون را گرفته، آن را در کف دست چپ خود بریزد،<sup>۱۶</sup> و انگشت دست راست خود را در آن فرو برده، هفت بار روغن را به حضور خداوند بپاشد.<sup>۱۷</sup> سپس کاهن مقداری از روغن کف دست خود را روی نرمۀ گوش راست آن شخص و روی شست دست راست و روی شست پای راست او بمالد.<sup>۱۸</sup> بعد روغن باقیمانده در کف دست خود را بر سر آن شخص بمالد. به این ترتیب کاهن در حضور خداوند برای او کفاره خواهد کرد.

<sup>۱۹</sup> پس از آن، کاهن باید قربانی گناه را تقدیم کند و بار دیگر مراسم کفاره را برای شخصی که از جذام خود طاهر می شود به جا آورد. سپس کاهن قربانی سوختنی را سر ببرد،<sup>۲۰</sup> و آن را با هدیه آردی بر قربانگاه تقدیم نموده، برای آن شخص کفاره کند تا شرعاً طاهر شناخته شود.

<sup>۲۱</sup> اگر آن شخص فقیر باشد و نتواند دو بره قربانی کند، می تواند یک برۀ نر بعنوان قربانی جبران بیاورد تا هنگام برگزاری مراسم کفاره جلو قربانگاه تکان داده شود و به خداوند تقدیم گردد. همراه با آن یک کیلو آرد مرغوب مخلوط با روغن زیتون بعنوان هدیه آردی و یک سوم لیتر روغن زیتون نیز تقدیم شود.<sup>۲۲</sup> آن شخص باید دو قمری یا دو جوجه کبوتر نیز بیاورد و یکی را برای قربانی گناه و دیگری را برای قربانی سوختنی تقدیم کند.<sup>۲۳</sup> روز هشتم آنها را دم در خیمۀ عبادت نزد کاهن بیاورد تا در حضور خداوند برای مراسم طهارت او تقدیم شوند.<sup>۲۴</sup> کاهن بره را بعنوان قربانی جبران همراه با روغن بگیرد و آنها را جلو قربانگاه تکان داده، به خداوند تقدیم کند. (این قربانی جزو هدایای مخصوصی است که به کاهن تعلق می گیرد.)<sup>۲۵</sup> سپس بره را بعنوان قربانی جبران ذبح کند و قدری از خون آن را روی نرمۀ گوش راست شخصی که طاهر می شود و روی شست دست

شده را نیز در جای ناپاکی خارج از شهر بریزند.<sup>۴۲</sup> بعد باید سنگهای دیگری بیاورد و بجای سنگهایی که کنده شده کار بگذارند و با ملاط تازه خانه را دوباره اندود کنند.

<sup>۴۳</sup> ولی اگر رگه‌ها دوباره نمایان شدند،<sup>۴۴</sup> کاهن باید دوباره بیاید و نگاه کند، اگر دید که رگه‌ها پخش شده‌اند، بداند که جذام مسری است و خانه شرعاً نجس می‌باشد.<sup>۴۵</sup> آنوقت کاهن دستور دهد خانه را خراب کنند و تمام سنگها، تیرها و خاک آن را به خارج از شهر برده، در جای ناپاکی بریزند.<sup>۴۶</sup> وقتی در خانه بسته است، اگر کسی داخل آن شود، تا غروب شرعاً نجس خواهد بود.<sup>۴۷</sup> هر که در آن خانه بخوابد یا چیزی بخورد، باید لباس خود را بشوید.

<sup>۴۸</sup> اما زمانی که کاهن دوباره برای مشاهده خانه می‌آید، ببیند که رگه‌ها دیگر پخش نشده‌اند، آنگاه اعلام کند که خانه شرعاً طاهر است و جذام بر طرف شده است.<sup>۴۹</sup> سپس برای طهارت خانه، دستور دهد دو پرنده، چند تکه چوب سرو، نخ قرمز و چند شاخه زوفا بیاورند.<sup>۵۰</sup> یکی از پرندگان را روی آب روان در یک ظرف سفالین سر ببرد<sup>۵۱ و ۵۲</sup> و چوب سرو و شاخه زوفا و نخ قرمز و پرنده زنده را در خون پرنده‌ای که سربریده است و همچنین در آب روان فرو کند و هفت بار بر خانه بپاشد. به این طریق خانه طاهر می‌شود.<sup>۵۳</sup> سپس پرنده زنده را بیرون شهر در صحرا رها کند. این است روش تطهیر خانه.

<sup>۵۴ و ۵۵ و ۵۶</sup> این مقررات مربوط به جذام است که ممکن است در لباس یا در خانه، در آماس روی پوست بدن یا در جوش، و یا در لکه براق دیده شود.<sup>۵۷</sup> طبق این مقررات تشخیص خواهید داد که چه وقت چیزی نجس است و چه وقت طاهر.

### ترشحاتی که تولید نجاست می‌کند

خداوند به موسی و هارون فرمود که این دستورات را نیز به قوم اسرائیل بدهند: هرگاه از بدن مردی مایعی ترشح شود، او شرعاً نجس

۱۵

راست و روی شست پای راست او بمالد. <sup>۲۶</sup> سپس کاهن مقداری از روغن زیتون را در کف دست چپ خود بریزد <sup>۲۷</sup> و با انگشت راستش قدری از آن را هفت بار به حضور خداوند بپاشد. <sup>۲۸</sup> بعد قدری از روغن زیتون کف دستش را روی نرمه گوش راست آن شخص و روی شست دست راست و روی شست پای راست وی بمالد. <sup>۲۹</sup> روغن باقیمانده در دست خود را بر سر شخصی که طاهر می‌شود بمالد. به این ترتیب کاهن در حضور خداوند برای او کفاره خواهد کرد. <sup>۳۰</sup> پس از آن، باید دو قمری یا دو جوجه کبوتری را که آورده است قربانی کند، <sup>۳۱</sup> یکی را برای قربانی گناه و دیگری را برای قربانی سوختنی. همراه آنها هدیه آردی نیز تقدیم شود. به این ترتیب کاهن در حضور خداوند برای آن شخص کفاره خواهد کرد. <sup>۳۲</sup> این است مقررات مربوط به اشخاصی که از مرض جذام شفا یافته، ولی قادر نیستند قربانی‌هایی را که معمولاً برای انجام مراسم طهارت لازم است بیاورند.

<sup>۳۳ و ۳۴</sup> خداوند این دستورات را در مورد خانه‌ای که جذام بر آن عارض شده، به موسی و هارون داد. (این قوانین برای زمانی بود که قوم اسرائیل به سرزمین موعود کنعان که خداوند قرار بود به آنها ببخشد، وارد می‌شدند). <sup>۳۵</sup> هرگاه کسی در خانه‌اش متوجه جذام\* شود، باید بیاید و به کاهن بگوید: «به نظر می‌رسد در خانه من مرض جذام وجود دارد!» <sup>۳۶</sup> کاهن پیش از اینکه خانه را مشاهده کند دستور بدهد که خانه تخلیه شود تا اگر تشخیص داد که مرض جذام در آنجا وجود دارد، هر چه در خانه است، شرعاً نجس اعلام نشود. سپس کاهن وارد خانه شده <sup>۳۷</sup> آن را مشاهده کند. اگر رگه‌های مایل به سبز یا سرخ در دیوار خانه پیدا کرد که عمیق‌تر از سطح دیوار به نظر رسید، <sup>۳۸</sup> باید در خانه را تا هفت روز ببندد. <sup>۳۹</sup> روز هفتم برگشته، دوباره به آن نگاه کند. اگر رگه‌ها در دیوار پخش شده باشند، <sup>۴۰</sup> آنوقت کاهن دستور بدهد آن قسمت رگه‌دار دیوار را کنده، سنگهای آن را درجای ناپاکی خارج از شهر بیندازند. <sup>۴۱</sup> سپس دستور بدهد دیوارهای داخل خانه را بتراشند و خاک تراشیده

\* نگاه کنید به زیرنویس ۴۷:۱۳.

<sup>۱۹</sup> زن تا هفت روز بعد از عادت ماهانه اش شرعاً نجس خواهد بود. در آن مدت هر کس به او دست بزند، تا غروب نجس خواهد شد، <sup>۲۰</sup> و او روی هر چیزی بخوابد یا بنشیند، آن چیز نجس خواهد شد. <sup>۲۱</sup> و <sup>۲۲</sup> اگر کسی به رختخواب آن زن یا به چیزی که او روی آن نشسته باشد دست بزند باید لباس خود را بشوید و غسل کند و شرعاً تا غروب نجس خواهد بود. <sup>۲۴</sup> مردی که در این مدت با او نزدیکی کند، شرعاً تا هفت روز نجس خواهد بود و هر رختخوابی که او روی آن بخوابد نجس خواهد بود.

<sup>۲۵</sup> اگر خونریزی عادت ماهانه بیش از حد معمول جریان داشته باشد یا در طول ماه، بی‌موقع عادت ماهانه او شروع شود، همان دستورات بالا باید اجرا گردد. <sup>۲۶</sup> بنابراین در آن مدت او روی هر چیزی که بخوابد یا بنشیند، درست مثل دوره عادت ماهانه عادی نجس خواهد بود. <sup>۲۷</sup> هر کس به رختخواب او یا به چیزی که او روی آن نشسته باشد دست بزند نجس خواهد شد و باید لباس خود را بشوید و غسل کند. او تا غروب شرعاً نجس خواهد بود. <sup>۲۸</sup> هفت روز بعد از تمام شدن عادت ماهانه، او دیگر نجس نیست. <sup>۲۹</sup> روز هشتم باید دو قمری یا دو جوجه کبوتر دم در عبادتگاه پیش کاهن بیاورد <sup>۳۰</sup> و کاهن یکی را برای قربانی گناه و دیگری را برای قربانی سوختنی ذبح کند و در حضور خداوند برای نجاست عادت ماهانه آن زن کفاره نماید. <sup>۳۱</sup> به این طریق قوم اسرائیل را از ناپاکیهایشان طاهر کنید مبدا بخاطر آلوده کردن خیمه عبادت من که در میان ایشان است بمیرند. <sup>۳۲</sup> این مقررات برای مردی که بسبب ترشح مایع یا خارج شدن منی نجس شود <sup>۳۳</sup> و همچنین برای دوره عادت ماهانه زن و در مورد هر شخصی است که با آن زن قبل از طهارت وی نزدیکی کند.

### روز کفاره

پس از آنکه دو پسر هارون بعلت سوزاندن بخور بر آتش غیر مجاز در حضور خداوند مردند، خداوند به موسی فرمود: «به برادرت هارون بگو که غیر از موعده مقرر، در وقت دیگری به

۱۶

است. <sup>۳</sup> این مایع، چه از بدنش به بیرون ترشح کند و چه نکند، او را نجس می‌سازد. <sup>۴</sup> هر رختخوابی که او در آن بخوابد و هر چیزی که روی آن بنشیند نجس خواهد شد. <sup>۵</sup> هر کس به رختخواب او دست بزند، شرعاً تا غروب نجس خواهد بود و باید لباس خود را بشوید و غسل کند. <sup>۶</sup> هر کس روی جایی بنشیند که آن مرد هنگام آلودگی روی آن نشسته بود، شرعاً تا غروب نجس خواهد بود و باید لباس خود را بشوید و غسل کند. <sup>۷</sup> هر کس به آن مرد دست بزند، باید همین دستورات را اجرا کند. <sup>۸</sup> به هر کس آب دهان بیاندازد، آن شخص شرعاً تا غروب نجس خواهد بود و باید لباس خود را بشوید و غسل کند. <sup>۹</sup> روی هر زینی که بنشیند، آن زین نجس خواهد بود. <sup>۱۰</sup> اگر کسی چیزی را که زیر این مرد بوده است بردارد یا به آن دست بزند، شرعاً تا غروب نجس خواهد بود و باید لباس خود را بشوید و غسل کند. <sup>۱۱</sup> اگر این مرد نجس بی‌آنکه اول دستهای خود را بشوید، به کسی دست بزند، آن شخص باید لباس خود را بشوید و غسل کند و تا غروب شرعاً نجس خواهد بود. <sup>۱۲</sup> اگر مرد نجس به یک ظرف سفالین دست بزند، آن ظرف باید شکسته شود؛ ولی اگر به ظرفی چوبی دست بزند آن ظرف را باید شست.

<sup>۱۳</sup> وقتی ترشح او قطع شود، باید هفت روز صبر کند و بعد لباس‌هایش را بشوید و در آب روان غسل نماید تا شرعاً طاهر شود. <sup>۱۴</sup> روز هشتم باید دو قمری یا دو جوجه کبوتر دم در خیمه عبادت به حضور خداوند بیاورد و آنها را به کاهن بدهد. <sup>۱۵</sup> کاهن باید یکی را برای قربانی گناه و دیگری را برای قربانی سوختنی ذبح کند. به این ترتیب کاهن در حضور خداوند برای آن مرد بسبب ترشحی که داشته است کفاره می‌نماید.

<sup>۱۶</sup> هر وقت از مردی منی خارج شود باید خود را کاملاً بشوید؛ او تا غروب نجس خواهد بود. <sup>۱۷</sup> هر پارچه یا چرمی که منی روی آن ریخته باشد باید شسته شود و آن پارچه یا چرم تا غروب نجس خواهد بود. <sup>۱۸</sup> زن و مرد بعد از نزدیکی باید غسل کنند و تا غروب شرعاً نجس خواهند بود.



قدس‌الاقداص که پشت پرده است و صندوق عهد و تخت رحمت در آن قرار دارند داخل نشود، مبادا بمیرد؛ چون من در ابر بالای تخت رحمت حضور دارم.<sup>۳</sup> شرایط داخل شدن او به آنجا از این قرار است: او باید یک گوساله برای قربانی گناه و یک قوچ برای قربانی سوختنی بیاورد.»<sup>۴</sup>

سپس خداوند این مقررات را داد: قبل از آنکه هارون به قدس‌الاقداص داخل شود، باید غسل نموده، لباس‌های مخصوص کاهنی را بپوشد، یعنی پیراهن مقدس کتانی، لباس زیر از جنس کتان، کمربند کتانی و عمامه کتانی.<sup>۵</sup> آنوقت قوم اسرائیل دو بز نر برای قربانی گناهشان و یک قوچ برای قربانی سوختنی نزد او بیاورد.<sup>۶</sup> هارون باید اول گوساله رابعنوان قربانی گناه خودش به حضور خداوند تقدیم کند و برای خود و خانواده‌اش کفاره نماید.<sup>۷</sup> سپس دو بز نر را دم در خیمه عبادت بحضور خداوند بیاورد.<sup>۸</sup> او باید یک بز را ذبح کند و دیگری را در بیابان رها سازد. ولی برای این کار لازم است اول قرعه بیاندازد.<sup>۹</sup> آنگاه بزی را که به قید قرعه برای خداوند تعیین شده، بعنوان قربانی گناه ذبح کند.<sup>۱۰</sup> و بز دیگر را زنده به حضور خداوند آورد و سپس به بیابان بفرستد تا گناه قوم اسرائیل را با خود ببرد.

پس از آن، هارون بار دیگر باید داخل عبادتگاه شده لباس‌های کتانی را که هنگام رفتن به قدس‌الاقداص پوشیده بود از تن بیرون بیاورد و آنها را در عبادتگاه بگذارد.<sup>۱۱</sup> آنوقت در مکان مقدسی غسل نموده، دو باره لباس‌هایش را بپوشد و بیرون رفته، قربانی سوختنی خود و قربانی سوختنی بنی‌اسرائیل را تقدیم کند و به این وسیله برای خود و بنی‌اسرائیل کفاره کند.<sup>۱۲</sup> او باید پیه قربانی گناه را هم بر قربانگاه بسوزاند.

مردی که بز را به بیابان برده است، باید لباس خود را بشوید و غسل کند و بعد به اردوگاه باز گردد.<sup>۱۳</sup> گوساله و بزی که بعنوان قربانی گناه ذبح شدند و هارون خون آنها را به داخل قدس‌الاقداص برد تا کفاره کند، باید از اردوگاه بیرون برده شوند و پوست و گوشت و سرگین آنها سوزانده شود.<sup>۱۴</sup> سپس شخصی که آنها را سوزانده، لباس خود را

قدس‌الاقداص که پشت پرده است و صندوق عهد و تخت رحمت در آن قرار دارند داخل نشود، مبادا بمیرد؛ چون من در ابر بالای تخت رحمت حضور دارم.<sup>۳</sup> شرایط داخل شدن او به آنجا از این قرار است: او باید یک گوساله برای قربانی گناه و یک قوچ برای قربانی سوختنی بیاورد.»<sup>۴</sup>

سپس خداوند این مقررات را داد: قبل از آنکه هارون به قدس‌الاقداص داخل شود، باید غسل نموده، لباس‌های مخصوص کاهنی را بپوشد، یعنی پیراهن مقدس کتانی، لباس زیر از جنس کتان، کمربند کتانی و عمامه کتانی.<sup>۵</sup> آنوقت قوم اسرائیل دو بز نر برای قربانی گناهشان و یک قوچ برای قربانی سوختنی نزد او بیاورد.<sup>۶</sup> هارون باید اول گوساله رابعنوان قربانی گناه خودش به حضور خداوند تقدیم کند و برای خود و خانواده‌اش کفاره نماید.<sup>۷</sup> سپس دو بز نر را دم در خیمه عبادت بحضور خداوند بیاورد.<sup>۸</sup> او باید یک بز را ذبح کند و دیگری را در بیابان رها سازد. ولی برای این کار لازم است اول قرعه بیاندازد.<sup>۹</sup> آنگاه بزی را که به قید قرعه برای خداوند تعیین شده، بعنوان قربانی گناه ذبح کند.<sup>۱۰</sup> و بز دیگر را زنده به حضور خداوند آورد و سپس به بیابان بفرستد تا گناه قوم اسرائیل را با خود ببرد.

پس از اینکه هارون گوساله را بعنوان قربانی گناه برای خود و خانواده‌اش ذبح کرد،<sup>۱۱</sup> آتش دانی پر از زغالهای مشتعل از قربانگاه بخور برداشته، آن را با دو مشت بخور کوبیده خوشبو به قدس‌الاقداص بیاورد<sup>۱۲</sup> و در حضور خداوند، بخور را روی آتش بریزد تا ابری از بخور، تخت رحمت روی صندوق عهد را بپوشاند. بدین ترتیب او نخواهد مرد.<sup>۱۳</sup> هارون مقداری از خون گوساله را آورده، با انگشت خود آن را یک مرتبه بر قسمت جلویی تخت رحمت، سپس هفت مرتبه جلو آن روی زمین بپاشد.

پس از آن، او باید بیرون برود و بز قربانی گناه قوم را ذبح کند و خون آن را به قدس‌الاقداص بیاورد و مانند خون گوساله بر تخت رحمت و جلو آن بپاشد.<sup>۱۴</sup> به این ترتیب برای قدس‌الاقداص که بسبب گناهان قوم اسرائیل آلوده شده و برای خیمه عبادت

ساکن است در جایی غیر از دم در خیمه عبادت برای خداوند قربانی کند، باید از میان قوم طرد شود.<sup>۱۰</sup> هرکس خون بخورد، چه اسرائیلی باشد، چه غریبی که در میان شما ساکن است، روی خود را از او برگردانده او را از میان قوم طرد خواهیم کرد،<sup>۱۱</sup> زیرا جان هر موجودی در خون اوست و من خون را به شما داده‌ام تا برای کفاره جانهای خود، آن را بر روی قربانگاه بپاشید. خون است که برای جان کفاره می‌کند.<sup>۱۲</sup> به همین دلیل است که به قوم اسرائیل حکم می‌کنم که نه خودشان خون بخورند و نه غریبی که در میان ایشان ساکن است.<sup>۱۳</sup> هرکس به شکار برود، خواه اسرائیلی باشد خواه غریبی که در میان شماست و حیوان یا پرندۀ حلال گوشتی را شکار کند، باید خونس را بریزد و روی آن را با خاک بپوشاند،<sup>۱۴</sup> زیرا جان هر موجودی در خون اوست. به همین دلیل است که به قوم اسرائیل گفتم که هرگز خون نخورند، زیرا حیات هر موجود زنده‌ای در خون آن است. پس هر کس خون بخورد باید از میان قوم اسرائیل طرد شود.

<sup>۱۵</sup> هر اسرائیلی یا غریبی که گوشت حیوان مرده یا دریده شده‌ای را بخورد، باید لباس خود را بشوید و غسل کند. او بعد از غروب شرعاً ظاهر خواهد بود.<sup>۱۶</sup> ولی اگر لباس‌هایش را نشوید و غسل نکند مجرم خواهد بود.

## زنا و اعمال قبیح

سپس خداوند به موسی فرمود که به قوم اسرائیل بگوید:

۱۸

«من خداوند، خدای شما هستم.<sup>۳</sup> پس مانند بت پرستان رفتار نکنید یعنی مثل مصریانی که در کشورشان زندگی می‌کردید و یا مانند کنعانیایی که می‌خواهم شما را به سرزمینشان ببرم.<sup>۴</sup> باید فقط از دستورات و قوانین من اطاعت کنید و آنها را بجا آورید، چون من خداوند، خدای شما هستم. اگر قوانین مرا اطاعت کنید، زنده خواهید ماند.<sup>۵</sup> «هیچ یک از شما نباید با محارم خود همبستر شود.<sup>۶</sup> با مادر خود همبستر نشو، زیرا با این کار به او و

بشوید و غسل کند و بعد به اردوگاه باز گردد.

<sup>۲۹</sup> این قوانین را همیشه باید اجرا کنید: در روز دهم ماه هفتم نباید کار بکنید، بلکه آن روز را در روزه بگذرانید. این قانون باید هم بوسیله قوم اسرائیل و هم بوسیله غریبانی که در میان قوم اسرائیل ساکن هستند رعایت گردد،<sup>۳۰</sup> چون در آن روز، مراسم کفاره برای آمرزش گناهان انجام خواهد شد تا قوم در نظر خداوند طاهر باشند.<sup>۳۱</sup> این روز برای شما مقدس است و نباید در این روز کار کنید بلکه باید در روزه بسر برید. این قوانین را همیشه باید اجرا کنید.<sup>۳۲</sup> این مراسم در نسلهای آینده بوسیله کاهن اعظمی که بجای جد خود هارون برای کار کاهنی تقدیس شده، انجام خواهد شد. او باید لباس‌های مقدس کتانی را بپوشد،<sup>۳۳</sup> و برای قدس‌الاقداص، عبادتگاه، قربانگاه، کاهنان و قوم اسرائیل کفاره کند.<sup>۳۴</sup> شما باید سالی یک مرتبه برای گناهان قوم اسرائیل کفاره کنید و این برای شما یک قانون همیشگی است.

هارون تمام دستوراتی را که خداوند به موسی داد بجا آورد.

## خون حیوانات

۱۷

خداوند دستورات زیر را برای هارون و پسرانش و تمامی قوم اسرائیل به موسی داد:<sup>۳۵</sup> هر اسرائیلی که گاو یا گوسفند یا بز را در جایی دیگر غیر از خیمه عبادت برای خداوند ذبح کند، خون ریخته و مجرم است و باید از میان قوم خود طرد شود.<sup>۵</sup> هدف از این قانون این است که قوم اسرائیل دیگر در صحرا قربانی نکنند. قوم باید قربانی‌های خود را دم‌درخیمه عبادت پیش کاهن بیاورند و آنها را بعنوان قربانی سلامتی به خداوند تقدیم کنند.<sup>۶</sup> سپس کاهن خون آنها را بر قربانگاه خداوند که دم در خیمه عبادت است بپاشد و پیه آنها را همچون عطر خوشبویی که مورد پسند خداوند است بسوزاند.<sup>۷</sup> قوم اسرائیل دیگر نباید در صحرا برای ارواح شریر قربانی کنند و به خداوند خیانت ورزند. این برای شما قانونی است همیشگی که باید نسل اندر نسل بجا آورده شود.<sup>۹</sup> هرگاه یک اسرائیلی یا غریبی که در میان قوم

ساکنند مجازات کنم و ایشان را از آنجا بیرون اندازم.<sup>۲۶</sup> شما باید از تمام قوانین و دستورات من اطاعت کنید و هیچ یک از این اعمال قبیح را انجام ندهید. این قوانین هم شامل شما می شود و هم شامل غریبانی که در میان شما ساکنند.

<sup>۲۷</sup> «آری، تمامی این اعمال قبیح بوسیله مردمان سرزمینی که می خواهم شما را به آنجا ببرم بعمل آمده و آن سرزمین را نجس کرده است.<sup>۲۸</sup> شما این اعمال را انجام ندهید و گرنه شما را نیز مثل اقوامی که اکنون در آنجا ساکنند از آن سرزمین بیرون خواهم راند.<sup>۲۹</sup> و هرکس مرتکب یکی از این اعمال قبیح گردد، از میان قوم طرد خواهد شد. پس قوانین مرا اطاعت کنید و هیچ یک از این عادات زشت را انجام ندهید. خود را با این اعمال قبیح نجس نکنید زیرا من خداوند، خدای شما هستم.»

### قوانین گوناگون

خداوند همچنین به موسی فرمود که به بنی اسرائیل بگوید: «مقدس باشید زیرا من خداوند، خدای شما مقدس هستم.<sup>۳</sup> به مادر و پدر خود احترام بگذارید و قانون روز سبت مرا اطاعت کنید، چون من خداوند، خدای شما هستم.<sup>۴</sup> بت نسازید و بتها را پرستش نکنید، چون من خداوند، خدای شما هستم.

<sup>۵</sup> «وقتی که قربانی سلامتی به حضور من تقدیم می کنید آن را طوری هدیه کنید که مورد قبول من باشد.<sup>۶</sup> گوشتش را در همان روزی که آن را ذبح می کنید و یا روز بعد بخورید. هر چه را که تا روز سوم باقی مانده، بسوزانید،<sup>۷</sup> زیرا شرعاً نجس است و اگر کسی آن را بخورد من آن قربانی را قبول نخواهم کرد.<sup>۸</sup> اگر در روز سوم از آن بخورید مقصرید، چون به قدوسیت خداوند بی احترامی کرده اید و باید از میان قوم طرد شوید.

<sup>۹</sup> «وقتی که محصول خود را درو می کنید، گوشه و کنار مزرعه های خود را درو نکنید و خوشه های گندم به جا مانده را برنچینید.<sup>۱۰</sup> درمورد حاصل انگور خود نیز همینطور عمل کنید خوشه ها و دانه های انگوری را

به پدرت بی احترامی می کنی.<sup>۸</sup> با هیچ یک از زنان پدرت همبستر نشو، چون با این کار به پدرت بی احترامی می کنی.<sup>۹</sup> همچنین با خواهر تنی یا با خواهر ناتنی خود، چه دختر پدرت باشد چه دختر مادرت، چه در همان خانه دنیا آمده باشد چه در جای دیگر، همبستر نشو.

<sup>۱۰</sup> «با دختر پسر یا دختر دخترت همبستر نشو، چون با این کار خود را رسوا می کنی.<sup>۱۱</sup> با دختر زن پدرت همبستر نشو، چون او خواهر ناتنی توست.<sup>۱۲</sup> با عمه خود همبستر نشو، چون از بستگان نزدیک پدرت می باشد.<sup>۱۳</sup> با خاله خود همبستر نشو، چون از بستگان نزدیک مادرت است.<sup>۱۴</sup> با زن عموی خود همبستر نشو، چون او مثل عمه توست.

<sup>۱۵</sup> «با عروس خود همبستر نشو، چون زن پسر توست.<sup>۱۶</sup> با زن برادرت همبستر نشو، چون با این کار به برادرت بی احترامی می کنی.<sup>۱۷</sup> با یک زن و دختر او یا نوه اش همبستر نشو، چون آنها بستگان نزدیک همدیگرند و این عمل قبیحی است.<sup>۱۸</sup> مادامی که زنت زنده است نباید خواهر او را هم به زنی بگیری و با او همبستر شوی.

<sup>۱۹</sup> «با زنی به هنگام عادت ماهانه اش همبستر نشو.<sup>۲۰</sup> با زنی که همسر مرد دیگری است همبستر نشو و خود را بوسیله او نجس نساز.

<sup>۲۱</sup> «هیچ یک از فرزندان خود را به بت مولک هدیه نکن و آنها را بر قربانگاه آن نسوزان زیرا با این کار نام خداوند، خدای خود را بی حرمت خواهی کرد.

<sup>۲۲</sup> «هیچ مردی نباید با مرد دیگری نزدیکی کند، چون این عمل، بسیار قبیح است.<sup>۲۳</sup> هیچ مرد یا زنی نباید با حیوان نزدیکی کند و با این کار خود را نجس سازد. این عمل، بسیار قبیح است.

<sup>۲۴</sup> «با این کارها خود را نجس نسازید، چون این اعمالی است که بت پرست ها انجام می دهند و بخاطر این کارهاست که می خواهم آنان را از سرزمینی که شما داخل آن می شوید بیرون کنم.<sup>۲۵</sup> تمامی آن سرزمین با این نوع اعمال، نجس شده است. به همین دلیل است که می خواهم مردمانی را که در آنجا

<sup>۲۴</sup> تمامی محصول سال چهارم را وقف من کنید و برای تمجید و تشکر از من به من هدیه کنید، <sup>۲۵</sup> زیرا من خداوند، خدای شما هستم. در سال پنجم می‌توانید محصول را برای خود بردارید. اگر این قانون را رعایت کنید، درختان شما پرمهر خواهند بود.

<sup>۲۶</sup> «گوشتی را که هنوز خون در آن است نخورید. فالگیری و جادوگری نکنید. <sup>۲۷</sup> مثل بت پرست‌ها موهای ناحیه شقیقه خود را تراشید و گوشه‌های ریش خود را نچینید. <sup>۲۸</sup> هنگام عزاداری برای مردگان خود مثل بت پرستان بدن خود را زخمی نکنید و مانند آنها روی بدن خود خالکوبی ننمایید.

<sup>۲۹</sup> «حرمت ناموس دخترتان را با وادار کردن او به فاحشگی از بین نبرید مبادا سرزمین شما از شرارت و زنا پر شود.

<sup>۳۰</sup> «قوانین روز سبت را نگاه‌دارید و عبادتگاه مرا احترام نمایید، چون من خداوند، خدای شما هستم.

<sup>۳۱</sup> «به جادوگران و احضارکنندگان ارواح متوسل نشوید و با این کار خود را نجس نکنید، زیرا من خداوند، خدای شما هستم.

<sup>۳۲</sup> «جلو پای ریش سفیدان بلند شوید، به پیرمردان احترام بگذارید و از من بترسید، زیرا من خداوند، خدای شما هستم. <sup>۳۳</sup> با غریبانی که در سرزمین تو زندگی می‌کنند بدرفتاری مکن. <sup>۳۴</sup> با ایشان مانند سایر اهالی سرزمین رفتار کن، زیرا نباید از یاد ببری که تو نیز خودت در سرزمین مصر غریب و بیگانه بودی. من خداوند، خدای تو هستم.

<sup>۳۵ و ۳۶</sup> «در داوری طرفداری مکن! در اندازه‌گیری طول و وزن و حجم، از مقیاسها و وسایل صحیح استفاده کن. زیرا من خداوند، خدای تو هستم که تو را از سرزمین مصر بیرون آوردم. <sup>۳۷</sup> از احکام و فرایض من بدقت اطاعت و پیروی کن، زیرا من یهوه هستم.»

که بر زمین می‌افتد، جمع نکنید. آنها را برای فقرا و غریبان بگذارید، چون من خداوند، خدای شما هستم.

<sup>۱۱</sup> «دزدی نکنید، دروغ نگویند و کسی را فریب ندهید. <sup>۱۲</sup> به نام من قسم دروغ نخورید و به این طریق نام مرا بی‌حرمت نکنید، زیرا من خداوند، خدای شما هستم.

<sup>۱۳</sup> «مال کسی را غصب نکنید و به کسی ظلم ننمایید و مزد کارگران خود را به‌موقع بپردازید.

<sup>۱۴</sup> «شخص کر را نفرین نکنید و پیش پای کور سنگ نیاندازید. از من بترسید، زیرا من خداوند شما هستم.

<sup>۱۵</sup> «هنگام قضاوت، از فقیر طرفداری بیجا نکنید و از ثروتمند ترسی نداشته باشید، بلکه همیشه قضاوتتان منصفانه باشد.

<sup>۱۶</sup> «سخن چینی نکنید و با پخش خبر دروغ باعث نشوید کسی به مرگ محکوم شود.

<sup>۱۷</sup> «از کسی کینه به دل نگیرید، بلکه اختلاف خود را با او حل کنید مبادا بخاطر او مرتکب گناه شوید. <sup>۱۸</sup> از همسایه خود انتقام نگیرید و از وی نفرت نداشته باشید بلکه او را چون جان خویش دوست بدارید زیرا من خداوند، خدای شما هستم.

<sup>۱۹</sup> «از قوانین من اطاعت کنید. حیوانات اهلی خود را به جفت‌گیری با حیوانات غیر همجنسشان وامدارید. در مزرعه خود دو نوع بذر نکارید و لباسی را که از دو جنس مختلف بافته شده نپوشید.

<sup>۲۰</sup> «اگر مردی با کنیزی که نامزد شخص دیگری است همبستر شود و آن کنیز هنوز بازخرید و آزاد نشده باشد، ایشان را نباید کشت بلکه باید تنبیه کرد، چون کنیز آزاد نبوده است. <sup>۲۱</sup> مردی که آن دختر را فریب داده، باید بعنوان قربانی جبران خود قوچی را دم در خیمه عبادت به حضور خداوند بیاورد. <sup>۲۲</sup> کاهن باید با این قوچ برای گناه آن مرد نزد خداوند كفاره کند و به این ترتیب گناهش بخشیده خواهد شد.

<sup>۲۳</sup> «وقتی که داخل سرزمین موعود شدید و انواع درختان میوه در آنجا کاشتید، سه سال از محصول آن نخورید، چون شرعاً نجس به حساب می‌آید.

\* یا «از کسی کینه به دل نگیرید. گناهکار را توبیخ کنید و نگذارید گناهش نادیده گرفته شود و گرنه شما هم مثل او مجرم خواهید بود.»

## مجازات گناهان

۲۰

خداوند همچنین این دستورات را برای قوم اسرائیل داد:

هرکس، چه اسرائیلی باشد چه غریبی که در میان شما ساکن است، اگر بچه خود را برای بت مولک قربانی کند، قوم اسرائیل باید او را سنگسار کنند.<sup>۳</sup> من خود بر ضد او برمی خیزم و او را از میان قوم اسرائیل طرد کرده به سزای اعمالش خواهم رساند، زیرا فرزند خود را برای مولک قربانی کرده و بدین وسیله عبادتگاه مرا نجس نموده و نام مقدس مرا بی حرمت ساخته است.<sup>۴</sup> اگر اهالی محل وانمود کنند که از کاری که آن مرد کرده، بی خبرند و نخواهند او را بکشند،<sup>۵</sup> آنگاه من بر ضد او و خانواده اش برمی خیزم و او را با تمامی اشخاص دیگری که از مولک پیروی نموده، به من خیانت ورزیده اند طرد می کنم و به سزای اعمالشان می رسانم.

<sup>۶</sup> اگر کسی به جادوگران و احضارکنندگان ارواح متوسل شده، با این عمل به من خیانت ورزد من بر ضد او بر می خیزم و او را از میان قوم خود طرد کرده، به سزای اعمالش می رسانم.<sup>۷</sup> پس خود را تقدیس نمایید و مقدس باشید، چون من خداوند، خدای شما هستم.<sup>۸</sup> از فرامین من که خداوند هستم و شما را تقدیس می کنم، اطاعت کنید.

<sup>۹</sup> کسی که پدر یا مادرش را نفرین کند، باید کشته شود؛ و خونش بر گردن خودش خواهد بود.

<sup>۱۰</sup> اگر فردی با همسر شخص دیگری زنا کند، مرد و زن هر دو باید کشته شوند.<sup>۱۱</sup> اگر مردی با زن پدر خود همبستر شود به پدر خود بی احترامی کرده است، پس آن مرد و زن باید کشته شوند؛ و خونشان به گردن خودشان می باشد.<sup>۱۲</sup> اگر مردی با عروس خود همبستر شود، هر دو باید کشته بشوند، زیرا زنا کرده اند؛ و خونشان به گردن خودشان می باشد.<sup>۱۳</sup> اگر دو مرد با هم نزدیکی کنند، عمل قبیحی انجام داده اند و باید کشته شوند؛ و خونشان به گردن خودشان می باشد.<sup>۱۴</sup> اگر مردی با زنی و با مادر آن زن نزدیکی کند، گناه بزرگی کرده است و هر سه باید زنده زنده سوزانده شوند تا این لکه ننگ از دامن شما

پاک شود.

<sup>۱۵</sup> اگر مردی با حیوانی نزدیکی کند، آن مرد و حیوان باید کشته شوند.<sup>۱۶</sup> اگر زنی با حیوانی نزدیکی کند، آن زن و حیوان باید کشته شوند؛ و خونشان به گردن خودشان می باشد.

<sup>۱۷</sup> اگر مردی با خواهر خود ازدواج کند و با او همبستر شود، خواه دختر پدرش باشد، خواه دختر مادرش، عمل شرم آوری کرده است و هر دو باید در ملأ عام از میان قوم طرد شوند و آن مرد باید به سزای گناه خود برسد، زیرا خواهر خود را بی عصمت کرده است.<sup>۱۸</sup> اگر مردی با زنی به هنگام عادت ماهانه اش همبستر شود، هر دو نفر باید از میان قوم اسرائیل طرد شوند، زیرا مقررات مربوط به طهارت را رعایت نکرده اند.

<sup>۱۹</sup> اگر مردی با خاله یا عمه خود همبستر شود، هر دو آنها باید به سزای گناه خود برسند زیرا بستگان نزدیک یکدیگرند.<sup>۲۰</sup> اگر مردی با زن عموی خود همبستر شود، به عموی خود بی احترامی کرده است. آنها به سزای گناه خود خواهند رسید و بی اولاد خواهند مرد.<sup>۲۱</sup> اگر مردی زن برادر خود را به زنی بگیرد، کار قبیحی کرده است زیرا نسبت به برادرش بی احترامی نموده است. هر دو ایشان بی اولاد خواهند مرد.

<sup>۲۲</sup> باید از تمامی قوانین و دستورات من اطاعت کنید تا شما را از سرزمین جدیدتان بیرون نکنم.<sup>۲۳</sup> از رسوم مردمی که از پیش شما می رانم پیروی نکنید چون ایشان همه اعمالی را که من شما را از آنها برحذر ساخته ام انجام می دهند و به همین دلیل است که از آنها نفرت دارم.

<sup>۲۴</sup> قول داده ام سرزمین ایشان را به شما بدهم تا آن را به تصرف خود درآورده، مالک آن باشید. آنجا سرزمینی است که شیر و عسل در آن جاری است. من خداوند، خدای شما هستم که شما را از قوم های دیگر جدا کرده ام.

<sup>۲۵</sup> بین پرندگان و حیواناتی که گوشت آنها برای شما حلال است و آنهایی که حرام است فرق بگذارید. با خوردن گوشت پرندگان یا حیواناتی که

اوست. <sup>۱۳</sup> او باید با دختر باکره‌ای ازدواج کند. <sup>۱۴ و ۱۵</sup> او نباید با زن بیوه یا طلاق گرفته یا فاحشه ازدواج کند بلکه با دختر باکره‌ای از قوم خود، در غیراینصورت فرزندان او دیگر مقدس نخواهند بود. من که خداوند هستم او را برای کاهنی تقدیس کرده‌ام.»

<sup>۱۶ و ۱۷</sup> خداوند به موسی فرمود: «به هارون بگو که در نسلهای آینده هر کدام از فرزندان که عضوی از بدنش معیوب باشد نباید هدایای خوراکی را به حضور من تقدیم کند. <sup>۱۸</sup> کسی که نقصی در صورت داشته باشد و یا کور، شل، ناقص الخلقه، <sup>۱۹</sup> دست یا پا شکسته، <sup>۲۰</sup> گوژپشت یا کوتوله باشد، چشم معیوب یا مرض پوستی داشته یا خواجه باشد، <sup>۲۱</sup> بسبب نقص جسمی اش اجازه ندارد هدایای خوراکی را که بر آتش به من تقدیم می‌شود، تقدیم کند. <sup>۲۲</sup> با وجود این باید از خوراک کاهنان که از هدایای تقدیمی به خداوند است به او غذا داده شود هم از هدایای مقدس و هم از مقدس‌ترین هدایا. <sup>۲۳</sup> ولی او نباید به پرده مقدس عبادتگاه یا به قربانگاه نزدیک شود چون نقص بدنی دارد و این عمل او عبادتگاه مرا بی حرمت می‌کند، زیرا من که خداوند هستم آن را تقدیس کرده‌ام.» <sup>۲۴</sup> موسی این دستورات را به هارون و پسرانش و تمامی قوم اسرائیل داد.

## تقدیس قربانی‌ها و هدایا

**۲۲** خداوند به موسی فرمود: «به هارون و پسرانش بگو که حرمت قربانی‌ها و هدایای مقدسی را که قوم به من وقف می‌کنند، نگه دارند و نام مقدس مرا بی حرمت نسازند، زیرا من خداوند هستم. در نسلهای شما اگر کاهنی که شرعاً نجس است به این هدایای مقدس دست بزند باید از مقام کاهنی بر کنار شود.

<sup>۴</sup> «کاهنی که جذامی باشد یا از بدنش مایع ترشح شود، تا وقتی که شرعاً طاهر نشده، حق ندارد از قربانی‌های مقدس بخورد. هر کاهنی که به جنازه‌ای دست بزند یا در اثر خروج منی نجس گردد، <sup>۵</sup> و یا

خوردن آنها را برای شما حرام کرده‌ام خود را آلوده نکنید. <sup>۶</sup> برای من مقدس باشید، زیرا من که خداوند هستم مقدس می‌باشم و شما را از سایر اقوام جدا ساخته‌ام تا از آن من باشید. <sup>۷</sup> احضارکننده روح یا جادوگر، چه مرد باشد چه زن، باید حتماً سنگسار شود. خون او به گردن خودش است.

## تقدیس کاهنان

**۲۱** خداوند به موسی فرمود: «به کاهنان که از نسل هارون هستند بگو که هرگز با دست زدن به شخص مرده خودشان را نجس نکنند، <sup>۲ و ۳</sup> مگر اینکه مرده از بستگان نزدیک آنها باشد، مثل: مادر، پدر، پسر، دختر، برادر یا خواهری که شوهر نکرده و تحت تکفل او بوده است. <sup>۴</sup> کاهنان در میان قوم خود رهبر هستند و نباید مثل افراد عادی خودشان را نجس سازند.

<sup>۵</sup> «کاهنان نباید موی سر یا گوشه‌های ریش خود را بتراشند و یا بدن خود را مجروح کنند. <sup>۶</sup> ایشان باید برای من مقدس باشند و به اسم من بی احترامی نکنند. آنها برای من هدایای خوراکی بر آتش تقدیم می‌کنند، پس باید مقدس باشند. <sup>۷</sup> کاهن نباید با یک فاحشه که خود را بی عصمت کرده و یا با زنی که طلاق گرفته، ازدواج کند؛ چون او مرد مقدسی است. <sup>۸</sup> کاهنان را مقدس بشمارید زیرا ایشان هدایای خوراکی به من تقدیم می‌کنند، و من که خداوند هستم و شما را تقدیس می‌کنم، مقدس می‌باشم. <sup>۹</sup> اگر دختر کاهنی فاحشه شود به تقدس پدرش لطمه می‌زند و باید زنده زنده سوزانده شود.

<sup>۱۰</sup> «کاهن اعظم که با روغن مخصوص، مسح و تقدیس شده و لباس‌های مخصوص کاهنی را می‌پوشد، نباید هنگام عزاداری موی سر خود را باز کند یا گریبان لباس خود را چاک بزند. <sup>۱۱ و ۱۲</sup> او نباید با خارج شدن از عبادتگاه و وارد شدن به خانه‌ای که جنازه‌ای در آن هست، حتی اگر جنازه پدر یا مادرش باشد، خود را و عبادتگاه مقدس مرا بی حرمت سازد، زیرا تبرک روغن مسح من که خداوند هستم بر سر

گاو یا گوسفند یا بز، نر و بی عیب باشد.<sup>۲۰</sup> حیوانی که نقصی داشته باشد نباید تقدیم شود، چون مورد قبول خداوند نمی باشد.<sup>۲۱</sup> وقتی کسی از رمه یا گله خود حیوانی را بعنوان قربانی سلامتی به خداوند تقدیم می کند، خواه نذری باشد خواه داوطلبانه، آن حیوان باید سالم و بی عیب باشد و گر نه مورد قبول خداوند واقع نمی شود.<sup>۲۲</sup> حیوان کور، شل یا مجروح و یا حیوانی که بدنش پر از زخم است و یا مبتلا به گری یا آبله می باشد، نباید به خداوند هدیه شود. این نوع هدیه را بر آتش قربانگاه به خداوند تقدیم نکنید.<sup>۲۳</sup> اگر گاو یا گوسفندی که تقدیم خداوند می شود عضو زاید یا ناقصی داشته باشد، آن را بعنوان قربانی داوطلبانه می توان ذبح کرد ولی نه بعنوان نذر.<sup>۲۴</sup> حیوانی که بیضه اش نقص داشته باشد یعنی کوفته یا بریده باشد هرگز نباید در سرزمین خود برای خداوند قربانی کنید.<sup>۲۵</sup> این محدودیت، هم شامل قربانی های غریبانی است که در میان شما ساکنند و هم قربانی های خود شما، چون هیچ حیوان معیوبی برای قربانی پذیرفته نمی شود.

<sup>۲۶</sup> و <sup>۲۷</sup> خداوند به موسی فرمود: «وقتی گاو یا گوسفند یا بز زاییده شود باید تا هفت روز پیش مادرش بماند ولی از روز هشتم به بعد می توان آن را بر آتش برای خداوند قربانی کرد.<sup>۲۸</sup> گاو یا گوسفند را با نوزادش در یک روز سر نبرید.<sup>۲۹</sup> و وقتی که قربانی شکرگزاری به من که خداوند هستم تقدیم می کنید، باید طبق مقررات عمل کنید تا مورد قبول من واقع شوید. در همان روز تمام گوشت حیوان قربانی شده را بخورید و چیزی از آن را برای روز بعد باقی نگذارید.

<sup>۳۱</sup> «شما باید تمام اوامر مرا اطاعت کنید، چون من خداوند هستم.<sup>۳۲</sup> و <sup>۳۳</sup> نام مقدس مرا بی حرمت نکنید. مرا مقدس بدانید زیرا من که خداوند هستم، شما را تقدیس کردم و از مصر نجات دادم تا خدای شما باشم.»

**۲۳** خداوند مقررات اعیاد مقدس را توسط موسی به قوم اسرائیل داد و فرمود: «برای برگزاری این اعیاد، تمام قوم باید برای عبادت من

حیوان یا شخصی را که شرعاً نجس است لمس کند، آن کاهن تا عصر نجس خواهد بود، و تا هنگام غروب که غسل می کند نباید از قربانی های مقدس بخورد.<sup>۷</sup> وقتی که آفتاب غروب کرد، او دوباره طاهر می شود و می تواند از خوراک مقدس بخورد، چون معاش او همین است.<sup>۸</sup> و <sup>۹</sup> کاهن نباید گوشت حیوان مرده یا حیوانی را که جانوران وحشی آن را دریده باشند بخورد، چون این عمل او را نجس می کند. به کاهنان بگو که با دقت از این دستورات اطاعت کنند، مبادا مجرم شناخته شده، بسبب سرپیچی از این قوانین بمیرند. من که خداوند هستم ایشان را تقدیس کرده ام.<sup>۱۰</sup> «هیچکس غیر از کاهنان نباید از قربانی های مقدس بخورد. مهمان یا نوکر کاهن که از او مزد می گیرد نیز نباید از این خوراک بخورد.<sup>۱۱</sup> ولی اگر کاهن با پول خود غلامی بخرد، آن غلام می تواند از قربانی های مقدس بخورد. فرزندان غلام یا کنیزی نیز که در خانه او بدنیا بیایند می توانند از آن بخورند.<sup>۱۲</sup> اگر دختری یکی از کاهنان با شخصی که کاهن نیست ازدواج کند، نباید از هدایای مقدس بخورد؛<sup>۱۳</sup> ولی اگر بیوه شده یا طلاق گرفته باشد و فرزندی هم نداشته باشد که از او نگهداری کند و به خانه پدرش بازگشته باشد، می تواند مانند سابق از خوراک پدرش بخورد. پس کسی که از خانواده کاهنان نیست، حق ندارد از این خوراک بخورد.

<sup>۱۴</sup> «اگر کسی ندانسته از قربانی های مقدس بخورد، باید همان مقدار را به اضافه یک پنجم به کاهن باز گرداند.<sup>۱۵</sup> و <sup>۱۶</sup> کاهنان نباید اجازه دهند اشخاص غیر مجاز قربانی های مقدس را بخورند و به این وسیله مجرم شوند. این کار بی حرمتی به هدایای مقدسی است که بنی اسرائیل به من تقدیم می کنند. من خداوند هستم و این هدایا را تقدیس کرده ام.»

<sup>۱۷</sup> و <sup>۱۸</sup> خداوند به موسی فرمود که این دستورات را به هارون و پسرانش و تمامی قوم اسرائیل بدهد: اگر یک نفر اسرائیلی یا غریبی که در میان شما ساکن است، به خداوند هدیه ای برای قربانی سوختنی تقدیم کند، خواه نذری باشد خواه داوطلبانه،<sup>۱۹</sup> فقط بشرطی مورد قبول خداوند خواهد بود که آن حیوان،

قرص نان که از دو کیلو آرد مرغوب همراه با خمیرمایه پخته شده باشد، بیاورد تا در حضور من تکان داده شود و بعنوان هدیه‌ای از آخرین برداشت محصول به من تقدیم شود.<sup>۱۸</sup> همراه با این نانها، هفت بره یک ساله سالم و بی‌عیب، یک گوساله و دو قوچ بعنوان قربانی سوختنی با هدایای آردی و نوشیدنی آنها به من تقدیم کنید. این هدایا که بر آتش تقدیم می‌شوند موردپسند من می‌باشند.<sup>۱۹</sup> همچنین یک بز نر بعنوان قربانی گناه و دو بره نر یکساله بعنوان قربانی سلامتی ذبح کنید.

<sup>۲۰</sup> «کاهن، این دو بره ذبح شده را با نانهای پخته شده از آخرین برداشت محصول شما بعنوان هدیه مخصوص در حضور من تکان دهد. این هدایا برای من مقدسند و باید برای خوراک به کاهنان داده شوند.<sup>۲۱</sup> در آن روز اعلان شود که مردم از کارهای محصول خود دست کشیده، برای عبادت جمع شوند. این قانونی است همیشگی برای نسلهای شما در هر جا که باشید.<sup>۲۲</sup> (وقتی که محصولات خود را درو می‌کنید، گوشه‌های مزرعه خود را تمام درو نکنید و خوشه‌های برزمین افتاده را جمع نکنید. آنها را برای فقرا و غریبانی که در میان شما ساکنند، بگذارید.) من خداوند، خدای شما این دستورات را به شما می‌دهم.

### عید شیپورها

(اعداد ۱: ۲۹-۶)

<sup>۲۳</sup> و <sup>۲۴</sup> «روز اول ماه هفتم هر سال روز استراحت است و همه قوم اسرائیل باید با شنیدن صدای شیپورها، برای عبادت جمع شوند.<sup>۲۵</sup> در آن روز هدیه‌ای بر آتش به من تقدیم کنید و هیچ کار دیگری انجام ندهید.

### روز کفار

(اعداد ۷: ۲۹-۱۱)

<sup>۲۶</sup> و <sup>۲۷</sup> «روز دهم ماه هفتم هر سال، روز کفار است. در آن روز تمام قوم باید برای عبادت جمع

جمع شوند.<sup>۲۸</sup> (در روز سبت نیز که هفتمین روز هفته می‌باشد، قوم باید برای عبادت من جمع شوند. در هر جا که ساکن باشند باید در این روز دست از کار کشیده، استراحت کنند.)<sup>۲۹</sup> این اعیاد مقدس که باید هر سال جشن گرفته شوند از این قرارند:

### عید پسخ و عید نان فطیر

(اعداد ۱۶: ۲۸-۲۵)

<sup>۳۰</sup> «در غروب روز چهاردهم اولین ماه هر سال مراسم پسخ را به احترام من بجا آورید.<sup>۳۱</sup> از روز پانزدهم همان ماه، عید فطیر آغاز می‌شود و تا هفت روز باید فقط نان بدون خمیرمایه خورده شود.<sup>۳۲</sup> در روز اول این عید برای عبادت جمع شوید و از همه کارهای معمول خود دست بکشید.<sup>۳۳</sup> هفت روز هدایای سوختنی به من تقدیم نمایید و در روز هفتم نیز از کارهای معمول خود دست کشیده برای عبادت جمع شوید.

### عید نوبر محصولات

(اعداد ۲۸: ۲۶-۳۱)

<sup>۳۴</sup> و <sup>۳۵</sup> «وقتی به سرزمینی که من به شما می‌دهم رسیدید و اولین محصول خود را درو کردید، روز بعد از سبت، اولین بافه را نزد کاهن بیاورید تا او آن را در حضور من تکان دهد و من آن را از شما قبول کنم.<sup>۳۶</sup> همان روز یک بره یک ساله سالم و بی‌عیب بعنوان قربانی سوختنی به من تقدیم کنید.<sup>۳۷</sup> برای هدیه آردی آن، دو کیلو آرد مرغوب مخلوط با روغن زیتون آورده، بر آتش به من تقدیم کنید؛ این هدیه موردپسند من است. یک لیتر شراب هم بعنوان هدیه نوشیدنی تقدیم نمایید.<sup>۳۸</sup> تا این هدایا را به من تقدیم نکرده‌اید، نباید نان یا حبوبات تازه یا برشته بخورید. این قانونی است همیشگی برای تمام نسلهای شما در هر جایی که زندگی کنید.

<sup>۳۹</sup> «هفت هفته بعد از روزی که اولین بافه خود را به من تقدیم کردید،<sup>۴۰</sup> یعنی در روز پنجاهم که روز بعد از هفتمین سبت است هدیه دیگری از محصول تازه خود به حضور من بیاورید.<sup>۴۱</sup> هر خانواده‌ای دو

\* در اصل: «تا نوبر برای خداوند باشد.»



هفت روز در حضور من که خداوند، خدای شما هشتم شادی کنید.<sup>۴۱</sup> برگزاری این عید هفت روزه در ماه هفتم، یک قانون دایمی است که باید نسل اندر نسل انجام گیرد.<sup>۴۲</sup> در طول آن هفت روز همه شما اسرائیلیها باید در سایه بانها بسر برید.<sup>۴۳</sup> هدف از این عید آن است که نسلهای شما بدانند هنگامی که من بنی اسرائیل را از مصر بیرون آوردم، آنها رادر زیر سایه بانها سکونت دادم. من خداوند، خدای شما هستم.»

<sup>۴۴</sup> بدین ترتیب موسی مقررات اعیاد مقدس را به اطلاع قوم اسرائیل رسانید.

## نگهداری از چراغها

(خروج ۲۷: ۲۰ و ۲۱)

**۲۴** خداوند به موسی فرمود: «به قوم اسرائیل بگو که روغن زیتون خالص برای چراغدان عبادتگاه بیاورند تا چراغهای آن همیشه روشن بماند.<sup>۴۵</sup> هارون چراغدان طلای خالص را که در بیرون پرده حایل بین قدس و قدس الاقداس است، هر روز غروب با روغن تازه پر نموده، فتیله هایش را تمیز کند و تا صبح آن را در حضور من روشن نگه دارد. این یک قانون همیشگی برای نسلهای شماست.

## نان مقدس

<sup>۴۶-۴۷</sup> «در هر سبت، دوازده قرص نان بگیر و آنها را در دو ردیف شش تایی روی میزی که از طلای خالص است و در حضور من قرار دارد بگذار. (این نانها باید با آرد مرغوب پخته شوند و برای پختن هر قرص یک کیلو آرد مصرف شود.) روی هر ردیف نان، بخور مقدس خالص گذاشته شود. این بخور بعنوان نمونه ای از نان، بر آتش به درگاه من تقدیم شود.<sup>۴۸</sup> نانها به هارون و پسرانش و نسلهای او تعلق دارد و ایشان باید آن را در جای مقدسی که برای این منظور در نظر گرفته شده است بخورند، چون این هدیه از مقدس ترین هدایایی است که بر آتش به درگاه من تقدیم می شود.»

شوند و روزه بگیرند و هدیه ای بر آتش به من تقدیم کنند.<sup>۴۹</sup> در روز كفاره هیچ کار نکنید، زیرا روزی است که باید برای گناهان خود از من که خدای شما هستم طلب آمرزش نمایید.<sup>۵۰</sup> هر شخصی که آن روز را در روزه بسر نبرد، از میان قوم خود طرد خواهد شد.<sup>۵۱</sup> من کسی را که در آن روز دست به هرگونه کاری بزند، طرد کرده، مجازات خواهم نمود. این قانونی است همیشگی برای نسلهای شما در هر جا که باشید.<sup>۵۲</sup> از غروب روز نهم ماه هفتم تا غروب روز بعد، روز مخصوص كفاره است و باید در آن روز روزه بگیرید و استراحت کنید.

## عید سایه بانها

(اعداد ۲۹: ۱۲-۴۰)

<sup>۵۳</sup> «روز پانزدهم ماه هفتم، عید سایه بانها آغاز می شود و باید تا مدت هفت روز در حضور من جشن گرفته شود.<sup>۵۴</sup> در روز اول تمامی قوم اسرائیل را برای عبادت جمع کنید و از کارهای معمول خود دست بکشید.<sup>۵۵</sup> در هر هفت روز عید، هدیه ای بر آتش به من تقدیم نمایید. در روز هشتم دوباره تمامی قوم را برای عبادت جمع کنید و هدیه ای بر آتش به من تقدیم نمایید. این روز، آخرین روز عید است و نباید هیچ کاری انجام دهید.

<sup>۵۶</sup> «این است اعیاد مقدسی که در آنها باید تمامی قوم برای عبادت جمع شده، قربانی های سوختنی، هدایای آردی، هدایای نوشیدنی و سایر قربانی ها را بر آتش به درگاه من تقدیم کنند.<sup>۵۷</sup> این اعیاد مقدس غیر از روزهای مخصوص سبت است. هدایایی که در این اعیاد تقدیم می کنید غیر از هدایای روزانه، نذری و داوطلبانه ای است که به خداوند تقدیم می کنید.)

<sup>۵۸</sup> «از روز پانزدهم ماه هفتم که پایان برداشت محصول است، این عید هفت روزه را در حضور من جشن بگیرید. به یاد داشته باشید که روزهای اول و آخر این عید، روزهای استراحت می باشند.<sup>۵۹</sup> در روز اول، از درختان خود میوه های خوب بچینید و شاخه های نخل و شاخه های درختان پربزرگ و شاخه های بید گرفته با آنها سایه بان درست کنید و

### مجازات کفر

<sup>۱۰</sup> روزی در اردوگاه، مرد جوانی که مادرش اسرائیلی و پدرش مصری بود با یکی از مردان اسرائیلی به نزاع پرداخت. <sup>۱۱</sup> هنگام نزاع مردی که پدرش مصری بود به خداوند کفر گفت. پس او را نزد موسی آوردند. (مادر آن مرد، دختر دبری از قبیله دان بود و شلومیت نام داشت.) <sup>۱۲</sup> او را به زندان انداختند تا هنگامی که معلوم شود خواست خداوند برای او چیست.

<sup>۱۳</sup> و <sup>۱۴</sup> خداوند به موسی فرمود: «او را بیرون اردوگاه ببر و به تمام کسانی که کفر او را شنیدند، بگو که دستهای خود را بر سر او بگذارند. بعد تمام قوم اسرائیل او را سنگسار کنند. <sup>۱۵</sup> و <sup>۱۶</sup> به قوم اسرائیل بگو که هر کس به خدای خود کفر بگوید باید سزایش را ببیند و بمیرد. تمام جماعت باید او را سنگسار کنند. این قانون هم شامل اسرائیلی‌ها می‌شود و هم شامل غریبه‌ها.

<sup>۱۷</sup> «هر که انسانی را بکشد، باید کشته شود. <sup>۱۸</sup> هر کس حیوانی را که مال خودش نیست بکشد، باید آن را عوض دهد جان در برابر جان. <sup>۱۹</sup> و <sup>۲۰</sup> هر که صدمه‌ای به کسی وارد کند، باید به خود او نیز همان صدمه وارد شود. شکستگی در برابر شکستگی، چشم در برابر چشم و دندان در برابر دندان. <sup>۲۱</sup> پس، هر کس حیوانی را بکشد، باید آن را عوض دهد، اما اگر انسانی را بکشد، باید کشته شود. <sup>۲۲</sup> این قانون هم برای غریبه‌ها و هم برای اسرائیلی‌هاست. من که خداوند، خدای شما هستم این دستور را می‌دهم.»

<sup>۲۳</sup> پس آن جوان را بیرون اردوگاه برده، همانطور که خداوند به موسی امر فرموده بود، سنگسار کردند.

### سال هفتم

هنگامی که موسی بالای کوه سینا بود، خداوند این دستورات را برای قوم اسرائیل

**۲۵**

به او داد:

وقتی به سرزمینی که من به شما می‌دهم رسیدید، هر هفت سال یک بار بگذارید زمین در حضور من استراحت کند. <sup>۳</sup> شش سال زمینهای زراعتی خود را

بکارید، درختان انگورتان را هرس نمایید و محصولات خود را جمع کنید، <sup>۴</sup> ولی در طول سال هفتم زمین را وقف خداوند کنید و چیزی در آن نکارید. در تمام طول آن سال بذری نکارید و درختان انگورتان را هرس نکنید. <sup>۵</sup> حتی نباتات خودرو را برای خود درو نکنید و انگورها را برای خود نچینید، زیرا آن سال برای زمین، سال استراحت است. <sup>۶</sup> و <sup>۷</sup> هر محصولی که در آن سال بروید برای همه می‌باشد، یعنی برای شما، کارگران و بردگان شما، و هر غریبی که در میان شما ساکن است. بگذارید حیوانات اهلی و وحشی نیز از محصول زمین بخورند.

### سال یوبیل

<sup>۸</sup> هر پنجاه سال یک بار، <sup>۹</sup> در روز کفاره که روز دهم از ماه هفتم است، در سراسر سرزمین‌تان شیپورها را با صدای بلند بنوازید. <sup>۱۰</sup> سال پنجاهم، سال مقدسی است و باید آزادی برای تمام ساکنان سرزمین اعلام شود. در آن سال باید تمام مایملک فامیلی که به دیگران فروخته شده به صاحبان اصلی یا وارثان ایشان پس داده شود و هر کسی که به بردگی فروخته شده نزد خانواده‌اش فرستاده شود.

<sup>۱۱</sup> سال پنجاهم، سال یوبیل است. در آن سال نه بذری بکارید، نه محصولاتتان را درو کنید، و نه انگورتان را جمع کنید، <sup>۱۲</sup> زیرا سال یوبیل برای شما سال مقدسی است. خوراک آن سال شما از محصولات خودرویی باشد که در مزرعه‌ها می‌رویند. <sup>۱۳</sup> آری، در طول سال یوبیل هر کسی باید به ملک اجدادی خود بازگردد. اگر آن را فروخته باشد، دوباره از آن خودش خواهد شد. <sup>۱۴</sup> و <sup>۱۵</sup> و <sup>۱۶</sup> به همین علت اگر در طول چهل و نه سال آن زمین خرید و فروش شود، باید قیمت عادلانه زمین را با توجه به نزدیک و یا دور بودن سال پنجاهم تعیین کرد. اگر سالهای زیادی به سال پنجاهم مانده باشد قیمت زمین بیشتر و اگر سالهای کمی مانده باشد قیمت، کمتر خواهد بود چون در واقع خریدار، قیمت محصولی را که در طول این مدت می‌تواند بدست آورد، می‌پردازد.

<sup>۱۷</sup> از خداوند، خدای خود بترسید و یکدیگر را فریب ندهید.<sup>۱۸</sup> اگر از احکام و قوانین خداوند اطاعت کنید در آن سرزمین، امنیت خواهید داشت<sup>۱۹</sup> و زمین محصول خود را خواهد داد و شما سیر و آسوده خاطر خواهید بود.<sup>۲۰</sup> شاید بپرسید: «پس در سال هفتم که نه اجازه داریم چیزی بکاریم و نه محصولی جمع کنیم، چه بخوریم؟»<sup>۲۱ و ۲۲</sup> جواب این است: خداوند محصول سال ششم را بقدری برکت می دهد که تا زمان برداشت محصولی که در سال هشتم کاشته اید باقی بماند و شما از آن بخورید.

<sup>۲۳</sup> به یاد داشته باشید که زمین مال خداوند است، و نمی توانید آن را برای همیشه بفروشید. شما مهمان خداوند هستید و می توانید فقط از محصول زمین استفاده کنید.<sup>۲۴</sup> هنگام فروش زمین، باید قید شود که هر وقت فروشنده بخواهد، می تواند زمین را بازخرید نماید.<sup>۲۵</sup> اگر کسی تنگدست شد و مقداری از زمین خود را فروخت، آنوقت نزدیکترین خویشاوند او می تواند زمین را بازخرید نماید.<sup>۲۶</sup> اما اگر کسی را نداشته باشد که آن را بازخرید کند ولی خود او پس از مدتی به اندازه کافی پول به دست آورد،<sup>۲۷</sup> آنگاه، هر وقت که بخواهد می تواند با در نظر گرفتن مقدار محصولی که تا سال پنجاهم از زمین حاصل می شود، قیمت آن را پردازد و زمین را پس بگیرد.<sup>۲۸</sup> ولی اگر صاحب اصلی نتواند آن را بازخرید نماید، زمین تا سال یوبیل از آن مالک جدیدش خواهد بود، ولی در سال یوبیل باید دوباره آن را به صاحبش برگرداند.

<sup>۲۹</sup> اگر مردی خانه خود را که در شهر است بفروشد، تا یک سال مهلت دارد آن را بازخرید نماید.<sup>۳۰</sup> اگر در طی آن سال بازخرید نکرد آنوقت برای همیشه مال صاحب جدیدش خواهد بود و در سال یوبیل به صاحب اصلی اش پس داده نخواهد شد.<sup>۳۱</sup> اما خانه هایی را که در روستاهای بدون حصار قرار دارند، می توان مثل زمین زراعتی در هر زمان بازخرید نمود و در سال یوبیل باید آنها را به صاحبان اصلی بازگردانید.

<sup>۳۲</sup> اما یک استثناء وجود دارد: خانه های لاویها، حتی اگر در شهر نیز باشند، در هر موقع قابل بازخرید

خواهند بود<sup>۳۳</sup> و باید در سال پنجاهم به صاحبان اصلی پس داده شوند، چون به لاویها مثل قبیله های دیگر زمین زراعتی داده نمی شود، بلکه فقط در شهرهای خودشان به ایشان خانه داده می شود.<sup>۳۴</sup> لاویها اجازه ندارند مزرعه های حومه شهر خود را بفروشند، زیرا اینها ملک دایمی ایشان است.

<sup>۳۵</sup> اگر یکی از هم نژادان اسرائیلی تو فقیر شد، وظیفه توست که به او کمک کنی. پس از او دعوت کن تا به خانه تو بیاید و مثل مهمان با تو زندگی کند.<sup>۳۶</sup> از او هیچ سود نگیر، بلکه از خدای خود بترس و بگذار برادرت با تو زندگی کند.<sup>۳۷</sup> برای پولی که به او قرض می دهی سود نگیر و بدون منفعت به او خوراک بفروش،<sup>۳۸</sup> زیرا خداوند، خدایتان، شما را از سرزمین مصر بیرون آورد تا سرزمین کنعان را به شما بدهد و خدای شما باشد.

<sup>۳۹</sup> اگر یکی از هم نژادان اسرائیلی تو فقیر شد و خود را به تو فروخت، تو نباید با او مثل برده رفتار کنی،<sup>۴۰</sup> بلکه باید با او مثل کارگر روزمزد یا مهمان رفتار کنی و او فقط تا سال یوبیل برای تو کار کند.<sup>۴۱</sup> در آن سال او باید با پسرانش از پیش تو برود و نزد فامیل و املاک خود بازگردد.<sup>۴۲</sup> شما بندگان خداوند هستید و خداوند شما را از مصر بیرون آورد، پس نباید به بردگی فروخته شوید.<sup>۴۳</sup> با ایشان با خشونت رفتار نکن و از خدای خود بترس.<sup>۴۴</sup> اما اجازه دارید بردگانی از اقوامی که در اطراف شما ساکنند خریداری کنید<sup>۴۵</sup> و همچنین می توانید فرزندان غریبانی را که در میان شما ساکنند بخرید، حتی اگر در سرزمین شما بدنی آمده باشند.<sup>۴۶</sup> آنان بردگان همیشگی شما خواهند بود و بعد از خودتان می توانید ایشان را برای فرزندانتان واگذارید. ولی با برادرانتان از قوم اسرائیل چنین رفتار نکنید.

<sup>۴۷</sup> اگر غریبی که در میان شما ساکن است ثروتمند شد و یک اسرائیلی، فقیر گردید و خود را به آن غریب یا به یکی از افراد خاندان او فروخت،<sup>۴۸ و ۴۹</sup> یکی از برادرانش یا عمویش یا پسر عمویش یا یکی از اقوام نزدیکش می تواند او را بازخرید نماید. اگر خود او هم پولی بدست آورد، می تواند خود را

عهدی که با شما بسته‌ام وفا خواهم کرد.<sup>۱۰</sup> بقدری محصول اضافی خواهید داشت که در وقت به دست آمدن محصول جدید ندانید با آن چه کنید!<sup>۱۱</sup> من در میان شما ساکن خواهم شد و دیگر شما را طرد نخواهم کرد.<sup>۱۲</sup> در میان شما راه خواهم رفت و خدای شما خواهم بود و شما قوم من خواهید بود.<sup>۱۳</sup> من خداوند، خدای شما هستم که شما را از سرزمین مصر بیرون آوردم تا دیگر برده نباشید. زنجیرهای اسارت شما را پاره کردم و شما را سربلند نمودم.

### مجازات ناطاعتی

(تثنیه ۲۸:۱۵-۶۸)

<sup>۱۴</sup> «ولی اگر به من گوش ندهید و مرا اطاعت نکنید،<sup>۱۵</sup> قوانین مرا رد کنید و عهدی را که با شما بسته‌ام بشکنید،<sup>۱۶</sup> آنگاه من شما را تنبیه خواهم کرد و ترس و امراض مهلک و تبی که چشمهایتان را کور کند و عمرتان را تلف نماید بر شما خواهم فرستاد. بذر خود را بیهوده خواهید کاشت، زیرا دشمنانتان حاصل آن را خواهند خورد.<sup>۱۷</sup> من برضد شما برخوام خاست و شما در برابر دشمنان خود پا به فرار خواهید گذاشت. کسانی که از شما نفرت دارند بر شما حکومت خواهند کرد. حتی از سایه خود خواهید ترسید.

<sup>۱۸</sup> «اگر باز هم مرا اطاعت نکنید، هفت بار شدیدتر از پیش، شما را بخاطر گناهانتان مجازات خواهم کرد.<sup>۱۹</sup> قدرت شما را که به آن فخر می‌کنید، درهم خواهم کوبید. آسمان شما بی‌باران و زمین شما خشک خواهد شد.<sup>۲۰</sup> نیروی خود را به هدر خواهید داد، چون زمین شما حاصل خود و درختانتان میوه خویش را نخواهند داد.

<sup>۲۱</sup> «اگر بعد از همه اینها باز هم مرا اطاعت نکنید و به من گوش ندهید، آنوقت بخاطر گناهانتان هفت مرتبه بیشتر بلا بر سرتان می‌آورم.<sup>۲۲</sup> جانوران وحشی را می‌فرستم تا فرزندانان را بکشند و حیوانات شما را هلاک کنند و از تعداد جمعیت شما بکاهند تا راه‌هایتان بدون رهگذر و متروک شوند.

باز خرید نماید.<sup>۵۰</sup> او با باز خرید کننده‌اش باید از سال برده شدنش تا سال یوبیل را حساب کند. بهای آزادی او باید مساوی مزد یک کارگر در همان مدت باشد.<sup>۵۱</sup> اگر تا سال یوبیل مدت زیادی باقی مانده باشد، او پول بیشتری برای آزادی خود پردازد و اگر کم مانده باشد پول کمتری.<sup>۵۳</sup> اگر خود را به غریبه‌ای بفروشد آن غریبه باید با او مثل یک کارگر روزمزد رفتار کند؛ نباید با او با خشونت رفتار نماید.<sup>۵۴</sup> اگر پیش از فرا رسیدن سال یوبیل باز خرید نشود، باید در آن سال، خود و فرزندانش آزاد گردند،<sup>۵۵</sup> چون شما بندگان خداوند هستید و او شما را از سرزمین مصر بیرون آورد. او خداوند، خدای شماست.

### پاداش اطاعت

(تثنیه ۷:۱۲-۲۴؛ ۲۸:۱-۱۴)

**۲۶** خداوند فرمود: «بت برای خود درست نکنید. مجسمه، ستونهای سنگی و سنگهای تراشیده شده برای پرستش نسازید، زیرا من خداوند، خدای شما هستم.<sup>۲</sup> قانون روز سبت مرا اطاعت کنید و عبادتگاه مرا محترم بدارید، زیرا من خداوند هستم.<sup>۳</sup> اگر تمامی اوامر مرا اطاعت کنید،<sup>۴</sup> به موقع برای شما باران خواهم فرستاد و زمین، محصول خود را و درختان، میوه خود را خواهند داد.<sup>۵</sup> خرمن شما بقدری زیاد خواهد بود که کوبیدن آن تا هنگام چیدن انگور ادامه خواهد داشت و انگور شما بقدری فراوان خواهد بود که چیدن آن تا فصل کاشتن بذر طول خواهد کشید. خوراک کافی خواهید داشت و در سرزمین خود در امنیت زندگی خواهید کرد،<sup>۶</sup> زیرا من به سرزمین شما صلح و آرامش خواهم بخشید و شما با خاطری آسوده به خواب خواهید رفت. حیوانات خطرناک را از سرزمینتان دور خواهم نمود و شمشیر از زمین شما گذر نخواهد کرد.<sup>۷</sup> دشمنانتان را تعقیب خواهید کرد و ایشان را با شمشیرهایتان خواهید کشت.<sup>۸</sup> پنج نفر از شما صد نفر را تعقیب خواهند کرد و صدنفرتان ده هزار نفر را! تمام دشمنانتان را شکست خواهید داد.<sup>۹</sup> شما را مورد لطف خود قرار خواهم داد و شما را کثیر گردانیده، به

باد آن را بر روی زمین حرکت می‌دهد پا به فرار خواهید گذاشت. به گمان اینکه دشمن در تعقیب شماست، خواهید گریخت و بر زمین خواهید افتاد. <sup>۳۷</sup> آری، هر چند کسی شما را تعقیب نکند، پا به فرار خواهید گذاشت و درحین فرار روی هم خواهید افتاد، گویی از جنگ می‌گریزید. رمقی نخواهید داشت تا در برابر دشمنان خود بایستید. <sup>۳۸</sup> در میان قوما هلاک خواهید شد و در میان دشمنان از پای درخواهید آمد. <sup>۳۹</sup> آنهایی که باقی بمانند در سرزمین دشمن بخاطر گناهان خود و گناهان اجدادشان از بین خواهند رفت.

<sup>۴۰</sup> و <sup>۴۱</sup> ولی اگر آنها به گناهان خود و به گناهان پدرانشان که به من خیانت ورزیدند و باعث شدند که من آنها را به سرزمین دشمنانشان تبعید کنم، اعتراف کنند و متواضع گردند و مجازات گناهانشان را بپذیرند، <sup>۴۲</sup> آنگاه دوباره وعده‌های خود را با ابراهیم و اسحاق و یعقوب به یاد خواهم آورد و به یاد سرزمین آنها خواهم افتاد، <sup>۴۳</sup> سرزمینی که متروک مانده، کشت نشده و استراحت یافته است. هر چند ایشان بخاطر رد کردن قوانین من و خوار شمردن دستورات من مجازات خواهند شد، <sup>۴۴</sup> ولی با وجود این من ایشان را در سرزمین دشمنانشان ترک نخواهم کرد و بکلی از بین نخواهم برد و عهد خود را با آنها نخواهم شکست، چون من خداوند، خدای ایشان هستم. <sup>۴۵</sup> من عهدی را که با اجداد ایشان بستم به یاد خواهم آورد، زیرا من اجداد ایشان را پیش چشم تمام قوم‌ها از مصر بیرون آوردم تا خدای ایشان باشم. من خداوند هستم.»

<sup>۴۶</sup> اینها احکام، قوانین و مقرراتی هستند که خداوند در کوه سینا توسط موسی به قوم اسرائیل داد.

### قوانین مربوط به موقوفات

**۲۷** خداوند این مقررات را توسط موسی به قوم اسرائیل داد: هرگاه شخصی به موجب نذری به خداوند وقف شود، می‌تواند مبلغ معینی پردازد و خود را از وقف آزاد سازد. <sup>۳</sup> مردی که سنش بین بیست تا شصت سال باشد، پنجاه مثقال نقره

<sup>۲۳</sup> «اگر با وجود این اصلاح نشوید و برخلاف خواست من رفتار کنید، <sup>۲۴</sup> آنوقت من هم برخلاف میل شما رفتار خواهم کرد و شما را بسبب گناهانتان هفت بار بیشتر از پیش تنبیه خواهم نمود. <sup>۲۵</sup> اگر عهد مرا بشکنید، از شما انتقام می‌کشم و علیه شما جنگ بر پا می‌کنم. وقتی از دست دشمن به شهرهایتان بگریزید در آنجا وبا به میان شما خواهم فرستاد، و شما مغلوب دشمنانتان خواهید شد. <sup>۲۶</sup> ذخیره‌آرد شما را از بین خواهم برد بطوری که حتی یک تنور هم برای پختن نان ده خانواده زیاد باشد. بعد از آنکه سهم نان خود را خوردید، باز هم گرسنه خواهید بود. <sup>۲۷</sup> «با این وصف اگر باز به من گوش ندهید و اطاعت نکنید، <sup>۲۸</sup> بشدت غضبناک می‌شوم و بسبب گناهانتان هفت مرتبه شدیدتر از پیش شما را تنبیه می‌کنم، <sup>۲۹</sup> بحدی که از شدت گرسنگی پسران و دختران خود را خواهید خورد. <sup>۳۰</sup> بت‌خانه‌هایی را که در بالای تپه‌ها ساخته‌اید خراب خواهم کرد، قربانگاه‌هایی را که بر آنها بخور می‌سوزانید با خاک یکسان خواهم نمود، جنازه‌های شما را بر بتهای بی‌جانتان خواهم انداخت و از شما نفرت خواهم داشت. <sup>۳۱</sup> شهرهایتان را ویران و مکانهای عبادتتان را خراب خواهم کرد. قربانی‌هایتان را نخواهم پذیرفت. <sup>۳۲</sup> آری، سرزمین شما را خالی از سکنه خواهم کرد و دشمنانتان در آنجا ساکن خواهند شد و از بلایی که بر سر شما آورده‌ام، حیران خواهند شد.

<sup>۳۳</sup> «بلای جنگ را بر شما نازل خواهم کرد تا در میان قوم‌ها پراکنده شوید. سرزمین شما خالی و شهرهایتان خراب خواهند شد. <sup>۳۴</sup> و <sup>۳۵</sup> آنگاه زمینهایی که نمی‌گذاشتید استراحت کنند، در تمام سالهایی که شما در سرزمین دشمن در اسارت بسر می‌برید، بایر خواهند ماند و استراحت خواهند کرد. آری، آنوقت است که زمین استراحت می‌کند و از روزهای آرامی خود برخوردار می‌شود. زمین بعوض سالهایی که شما به آن آرامی نداده بودید، استراحت خواهد کرد.

<sup>۳۶</sup> «کاری می‌کنم که آن عده از شما هم که به سرزمین دشمن به اسارت رفته‌اید، در آنجا پیوسته در ترس و وحشت بسر برید. از صدای برگ درختی که

سال یوبیل باشد، آنوقت کاهن قیمت زمین را به تناسب تعداد سالهایی که به سال یوبیل بعدی باقی مانده است، تعیین خواهد کرد.<sup>۱۹</sup> اگر آن شخص تصمیم بگیرد آن مزرعه را بازخريد نماید، بایستی علاوه بر قیمتی که کاهن تعیین می نماید یک پنجم هم اضافه پردازد و مزرعه دوباره مال خودش خواهد شد.<sup>۲۰</sup> ولی اگر مزرعه را بدون اینکه بازخريد نموده باشد، به دیگری بفروشد، دیگر هرگز حق بازخريد آن را نخواهد داشت.<sup>۲۱</sup> وقتی که در سال یوبیل آن زمین آزاد شود، بعنوان موقوفه متعلق به خداوند خواهد بود و باید به کاهنان داده شود.

<sup>۲۲</sup> اگر کسی مزرعه ای را که خریده است، وقف خداوند کند ولی آن مزرعه قسمتی از ملک خانوادگی او نباشد،<sup>۲۳</sup> کاهن باید ارزش آن را به تناسب مقدار سالهایی که تا سال یوبیل مانده، تعیین کند، و او هم باید همانروز مبلغ تعیین شده را پردازد. این مبلغ به خداوند تعلق دارد.<sup>۲۴</sup> در سال یوبیل مزرعه به صاحب اصلی آن که از او خریداری شده، بازپس داده شود.<sup>۲۵</sup> تمام قیمت گذاری ها باید مطابق قیمت تعیین شده باشد.

<sup>۲۶</sup> اولین نوزاد هر حیوانی متعلق به خداوند است، پس کسی نمی تواند آن را برای خداوند نذر کند. اولین نوزاد حیوان حلال گوشت را می توان به خداوند تقدیم کرد.<sup>۲۷</sup> اما نوزاد حیوان حرام گوشت را که نمی توان برای خداوند قربانی کرد، می توان با پرداخت قیمتی که کاهن برای آن تعیین می کند به اضافه یک پنجم، بازخريد نمود. اگر صاحبش نخواهد آن را بازخريد کند، کاهن می تواند آن را به شخص دیگری بفروشد.

<sup>۲۸</sup> اما چیزی که تماماً وقف خداوند شده باشد،\* چه انسان، چه حیوان و چه مزرعه خانوادگی، هرگز فروخته یا بازخريد نشود چون برای خداوند بسیار مقدس است.<sup>۲۹</sup> کسی که در دادگاه به مرگ محکوم شده باشد نمی تواند جان خود را بازخريد نماید، بلکه

پردازد.<sup>۴</sup> زنی که سنش بین بیست تا شصت سال باشد سی مثقال نقره،<sup>۵</sup> پسران پنج تا بیست ساله، بیست مثقال نقره و دختران پنج تا بیست ساله، ده مثقال نقره پردازند.<sup>۶</sup> برای پسر یک ماهه تا پنج ساله، پنج مثقال نقره و برای دختر یک ماهه تا پنج ساله، سه مثقال نقره پرداخت شود.<sup>۷</sup> مرد از شصت سال به بالا، پانزده مثقال نقره و زن از شصت سال به بالا، ده مثقال نقره پردازد.<sup>۸</sup> ولی اگر کسی فقیرتر از آن باشد که بتواند این مبلغ را پردازد، نزد کاهن آورده شود و کاهن مبلغی را تعیین کند که او قادر به پرداخت آن باشد.

<sup>۹</sup> اگر کسی حیوانی که مورد قبول خداوند است نذر کند باید همان حیوان را تقدیم نماید زیرا این نذر مقدس است و نمی توان آن را عوض کرد. نذر کننده تصمیم خود را درباره چیزی که برای خداوند نذر کرده است تغییر ندهد و خوب را با بد یا بد را با خوب عوض نکند. اگر چنین کند، اولی و دومی، هر دو از آن خداوند خواهند بود.<sup>۱۱</sup> ولی اگر حیوانی که برای خداوند نذر شده آن نوع حیوانی نیست که برای قربانی مجاز می باشد، صاحبش آن را نزد کاهن بیاورد تا قیمتش را تعیین کند و او باید آن مبلغ را پردازد.<sup>۱۳</sup> اگر حیوان از نوعی است که می توان آن را بعنوان قربانی تقدیم نمود ولی صاحبش می خواهد آن را بازخريد نماید، در آنصورت علاوه بر قیمتی که کاهن تعیین می کند، باید یک پنجم قیمت آن را نیز اضافه پردازد.

<sup>۱۴</sup> اگر کسی خانه خود را وقف خداوند کند ولی بعد بخواهد آن را بازخريد نماید، کاهن باید قیمت خانه را تعیین کند و نذر کننده، این مبلغ را به اضافه یک پنجم پردازد. آنوقت خانه دوباره از آن خودش خواهد بود.

<sup>۱۶</sup> اگر کسی قسمتی از زمین خود را وقف خداوند کند، ارزش آن به تناسب مقدار بذری که در آن می توان کاشت تعیین شود. قطعه زمینی که صد کیلو جو در آن پاشیده شود، پنجاه مثقال نقره ارزش دارد.<sup>۱۷</sup> اگر شخصی در سال یوبیل مزرعه خود را وقف خداوند کند، در آنصورت قیمت زمین برابر با قیمت محصول پنجاه ساله آن خواهد بود.<sup>۱۸</sup> ولی اگر بعد از

\* هر چیزی که تماماً وقف خداوند می شد، کاملاً به خداوند تعلق می گرفت و کسی حق استفاده از آن را نداشت و معمولاً آن را بطور کلی نابود می کردند.

باید حتماً گشته شود.

<sup>۳۰</sup> ده یک محصول زمین، چه از غله و چه از میوه، از آن خداوند است و مقدس می‌باشد. <sup>۳۱</sup> اگر کسی بخواهد این میوه یا غله را بازخريد نماید، باید یک پنجم به قیمت اصلی آن اضافه کند. <sup>۳۲</sup> ده یک گله و رمه از آن خداوند است. وقتی حیوانات شمرده می‌شوند، هر دهمین حیوان متعلق به

## لاویان / ۲۷

خداوند است. <sup>۳۳</sup> صاحب گله نباید حیوانات را طوری قرار دهد که حیوانات بد برای خداوند جدا شوند و نباید جای حیوان خوب را با بد عوض کند. اگر چنین کند، هر دو حیوان متعلق به خداوند خواهند بود و دیگر هرگز حق بازخريد آنها را نخواهد داشت. <sup>۳۴</sup> این است دستوراتی که خداوند در کوه سینا توسط موسی به قوم اسرائیل داد.